

فلاش رژیم برای مهار مطبوعات

این واقعیت را یکبار در دوران فروپاشی و سرنگونی رژیم شاه دیدیم. روزنامه های کیهان، اطلاعات، آیندگان و امثالهم که از بدو موجودیت شان در خدمت رژیم سلطنتی و پیشبرد سیاستهای ارتقای رژیم شاه قرار داشتند، با او چگری بحران سیاسی به انتقاد از سیاستهای رژیم شاه پرداختند، گروهی از نویسندهای خبرنگاران، خبرنگاران و دیگر همکاران این روزنامه ها به جنبش اعتراضی مردم پیوستند و این روزنامه ها را به تربیون افساگری علیه رژیم سلطنتی شاه تبدیل کردند. اکنون نیز در حالی که فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده و بحران سیاسی دائم ژرف تر و ژرفتر می شود، همین پدیده در شرایطی دیگر و به شکلی دیگر تکرار می شود. برخی از روزنامه ها و دیگر نشریات که سالها در خدمت رژیم و سیاستهای آن بوده اند و کمترین انتقادی از رژیم و سیاستهایش در این مطبوعات یافته نمی شوند، اکنون پاره ای از سیاستهای رژیم را به انتقاد گرفته، در محدوده ای سانسور و اختناق را محکوم می کنند و به طرح مسائلی مبادراند که با سیاست اختناق و سرکوب رژیم در تضاد قرار دارند. املاعه های این، اوضاع کنونی نسبت به دوران سرنگونی رژیم شاه تفاوت هایی هم دارد که از جمله میتوان به پیدایش تعدادی از مطبوعات جدید اشاره کرد که برخی از آنها مستقیماً وابسته به یک جناح از حکومت اند و تعدادی دیگر نیز که مستقیماً به این جناح وابسته نیستند، پشت این جناح موضوع گرفتند. اما ویژگی دیگر لحظه کنونی نسبت به دوران

جمهوری اسلامی اقدامات گسترده ای را برای کنترل و مهار مطبوعات سازمان داده است. توأم با فشار و محدودیت های وزارت ارشاد علیه برخی نشریات و بگیر و بیندهای دادگاه های ضد انقلاب اسلامی، گروهی از نمایندهای مجلس ارتعاج طرح اصلاح قانون مطبوعات را به مجلس ارائه داده که هدف دوگانه ای را تغییب می کند. هدف آن از یک سو تخصیقات و محدودیت های بیشتری علیه مطبوعات و از سوی دیگر سلب اختیارات وزارت ارشاد وابسته به خاتمه وسیپردن آنها به جناح دیگر است. واقعیت این است که امروز، مساله مطبوعات به یک معضل جدی برای رژیم تبدیل شده است و هر دو جناح هر یک بدشیوه خود را بر چار چوب سیاستهای خود برای مهار آنها تلاش می کند. این معضل از آنجایی ناشی می شود که همراه با رشد و گسترش بحران سیاسی موجود، برخی از نشریات و از جمله روزنامه های که سالها تحت کنترل رژیم و جناح های آن بوده اند، به انتقاد از برخی سیاستهای حکومت برخاسته و به طرح مسائلی مبادراند که خواست هیئت حاکمه نیست. عموماً در کشورهای نظری ایران که دیکتاتوری عربیان حاکم است، در شرایط اوج گیری بحران سیاسی که مبارزه مردم شکل علني و مستقیم به خود میگرد و شکافی عمیق، هیئت حاکمه دستگاه دولتی را فرا میگیرد، برخی از ابزارهای تبلیغی هیئت حاکمه از جمله مطبوعاتی که سالهادر خدمت این رژیم و توجه گرسیاستهای آن بوده اند، به درجه مختلط از تکنولوژی دستگاه های امنیتی - پلیسی و جاسوسی و سانسور خارج شده و به صفت متقید و گاه مخالفین رژیم می پیوندد.

صفحه ۳

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر) صفحه ۴

در این شماره

۳ سرمایه داران داخلی و بین المللی خواهان تجدید نظر در قانون کار شدند

۵ ارتقای درین پیش روی ، در برابر کارگران عقب نشست !

۱۵ ترویریسم فعال !

۶ ناطق نوری : وقتی سیل بیاید همه را خواهد برد

۱۱ آیا راه نجاتی برای کانون نویسندها هست؟

۱۱، ۶ اطلاعیه های سازمان

۹ اخبار کارگری جهان

۹ اخباری از ایران

۲ کمک های مالی رسیده

سعید امامی، «اجنبی» (شهید)

(یونس) ی طعمه «نهنگ» ! ؟

بعد از آنکه همه عقل کل های نظام فکرهای خود را رویهم ریختند تا نظام را از شر مخصوصی که خود آن را سبب شده بودند، رها کنند، و کاسه واجبی را در حمام زندان بدبست یکی از رهروان و معققان راستین امام و اسلام سرباز گنمam، سعید امامی اسلامی سپرده بودند و به او خوراندند، تا با "خودکشی" این مهره اطلاعاتی، داستان قتل های زنجیرهای را داستانی مختومه اعلام کرده باشند، بی آنکه شاید خود بدانند، تازه برابعاد این قضیه و ابهامات و پیچیدگی قضایا می افزودند، مشت خود را باز ترو زنجیر قتل های زنجیره ای را بر گردن نظام سفت تر میکردند. وقتیکه آخوند محمد نیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم، درگفتگو با ایرنا برای اطلاع و قانع کردن افکار عمومی اعلام کرد که سعید امامی یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل ها با خوردن داروی نظافت اقدام به خودکشی کرده است و انتقال وی به بیمارستان "تخصصی" و تلاش پزشکان برای نجات وی هم بی شرمانده است و در توضیح انگیزه این اقدام چنین عنوان کرد که "با توجه به مدارک موجود و اعترافات سعید امامی وی هیچ گونه راه فراری نداشت و اگر با این اتهامات به دادگاه میرفت حکم اواعدام بود" شاید خود نمیدانست که با اظهار این چند جمله بر تناقض و ابهام که تجسم استیصال رژیم بود، نه فقط کسی را قانع نمیکند ، بلکه برابعاد ناباوریها و ابهامات موجود در این زینه نیز می افزاید و مورد تمسخر عموم مردم قرار میگیرد. بعد از گذشتن بیش از ۷ ماه از موضوع قتل های زنجیره ای، معهداً سناریو آنقدر با عجله تهیه شده و کوکدانه بود که هیچکس حتی "خودیها" نیز آنرا باور نمی کردند . آخر اگر او از عوامل اصلی و محوری قتلها بوده است، پس چراوسیله خودکشی در اختیارش قرار میگیرد و چرا از وی مراقبت نمی شود ؟ و تازه از کجا معلوم که در دادگاه به اعدام محکوم می شد؟ چه کسی میداند شاید اگردر آنچه اسامی آمرین و دستوردهندگان اصلی و فوکانی را میگفت شاید محکومیت کمتری میگرفت ؟! تازه این در حالیست که گفته میشود، درصد ماده سمی (آرسنیک) موجود در داروی

صفحه ۲

ستون مباحثات

جمهوری و

حکایت مردگان !

صفحه ۲

کمک های مالی رسیده**سوند**

۱۰۰ کرون	سپیده، به یاد رفیق پدر فضیلت کلام پگاه بهاری، به یاد رفیق پدر ش- ب، به یاد رفاقتی فدائی شهدا
۱۰۰ کرون	فضیلت کلام و رفیق پدر رفاقتی استکلهلم، به یاد پدر فضیلت کلام رفاقتی استکلهلم، به یاد پدر سه چریک فدائی خلق، پدر فضیلت کلام
۴۰۰ کرون	گوتبرگ صاغ بلژیک
۵۰۰ کرون	هواداران سازمان آمریکا
۱۲۰ دلار	بدون کد سوئیس
۲۰۰ فرانک	رفیق سعید سلطانپور
۵ کرون	دانمارک
۵ کرون	۳۰ - ۹-۹۸
۵ کرون	۳۰ - ۱۰-۹۸
۵ کرون	۳۰ - ۱۱-۹۸
۵ کرون	۳۱ - ۱۲-۹۸
۵ کرون	۲۹ - ۱-۹۹
۵ کرون	۲۶ - ۲-۹۹
۲۰۰ کرون	۲۱ - ۳-۹۹

که وجهی و یا انعکاسی از کل بحران حکومتی است تشیدی میشود و شرایط و زمینه ها را برای محکمه تمامی جنایکاران و سران رژیم در محکمه انقلابی توده ها فراهم ترمی سازد. راست این است که بحران سیاسی و حکومتی به مرافق بسیار حادی رسیده است و اوضاع رژیم بسیار خراب ترازان است که با چنین سناپریو سازیهای بتواند برای خود مفری ایجاد کند. برمنتن قضایی ناراضایتی عمومی و خشم فزاینده و تراکم یافته توده ای، شکاف دستگاه حکومتی عمیق تر از آن شده است که بخواهد با این سریش مالی ها سر هم بندی شود. حتی هشدار های مکرر مصلحت اندیشان برای پائین کشیدن فتیله ها و بستن دفتر قتلها و خطر جاری شدن سیلی بینیان کن و بردن و روشن "همه"، با وجود قابل درک بودن آن برای این "همه"، کارساز و موثر نیست. کشته حکومت اسلامی ترک برداشته و سوراخی بزرگ آن هم درناحیه "چشم نظام"، کشتی و سرنشیانش را به هرسو می برد و فقط این نیست، امواج خروشانی که خود را بر پیکر کشته می کوید، تعادل آن را بکلی برهم زده و در یک کلام رژیم جمهوری اسلامی از درون فرو ریخته است. بحران در دستگاه امنیتی رژیم و "خودکشی" از سر استیصال سعید امامی نیز بازتابی از همین فرو ریزی است!

فلاخیان بود و چندین سال معاونت وزارت اطلاعات و امنیت رژیم را بر عهده داشت و بنا به موقیت اش بیشک میتوانست اطلاعات زیادی هم درمورد نحوه تصمیم گیری، تصمیم گیرندگان و اجرای قتل نویسندهان و هم در مورد مجموعه اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور داشته باشد، آن بود تا پایی سازمان دهندگان اصلی تروپه ای تراین تروهارها و سران رژیم بیان کشیده نشود. سعید امامی بعنوان مهره ای در دستگاه اطلاعاتی، قربانی می شد، تا کل این دستگاه نجات یابد. این موضوع در عین حال به روشنی از این مسئله حکایت داشت که رژیم دستگاه امنیتی و اطلاعاتی اش در عین آنکه تحت شرایط معین وجو اعراضی جامعه به جائی رسیده است که برای خارج کردن آمرین و مسببن اصلی قتل ها از زیر ضرب و ختم قضایا، مبایسی عناصری از این دستگاه اقربانی کند، در عین حال حاضرهم نیست که صاف و صریح این عناصر را که سالیان سال در "خدمت" "اهداف مقدس" رژیم بوده اند، به عنوان قاتل و جنایتکار به محکمه علیه بکشاند. چرا که این مسئله اولاً یا سرخوردگی بیشتری را در میان سربازان گفتار امام زمان که قرعه بنام آنها نیتفاذه است دامن میزند و تضعیف بیش از پیش دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم را در بار، ثانیاً در چنین محکمه و محکمه ای چه بسا ممکن است پای خود حاکمان نیز بیان کشیده شود که هیچیک از اینها خواست و هدف رژیم نیست. این برداشت، به نوعی در سخنان آخرond زمانی که در همان مراسم هفت سعید امامی از بین اعکاس یافته است. وی در سخنان خود به ذکر داستان قربانی شدن "حضرت یونس" پرداخت و ضمن مقایسه کردن سعید امامی با یونس گفت "وقتی که آن نهنج به کشته تزدیک شد، اهالی کشته قرار بر این گذشتند که یک نفر به قرعه طعمه نهنج شود و این قرعه بنام یونس پیغمبر خدا افتاد و او قربانی شد". در هر حال اگرچه تلاش رژیم بر پنهان نگاهداشت این همه این تلاشهای زبونانه و مجموعه مطالبی که در این باره مطرح شده است، برايهامات مسئله و رسوایی بیشتر سران رژیم افزوده است، به تحولی که امروز از اساس، حتی وجود خارجی شخصی با نام و هویت سعید امامی و اینکه در قضایا نقش اصلی و محوری داشته است یا نداشته است، اینکه اصلاً خودکشی کرده یا به قتل رسیده است، اینکه در جائی دفن شده یا در قید حیات است و درگوشای مخفی شده یا اینکه چه بسا در مراسم هفت خود هم شرکت داشته است؟ تمام اینها زیر علامت سؤوال اصل قضیه هرجی می خواهد باشد، اما یک چیز کاملاً "روشن" است که تلاش رژیم برای خواباندن موضوع قتل های زنجیره ای و حذف نقش سران رژیم از تروهارها و نجات حکومت از این مخمصه، قطعاً با شکست روبرو شد و برخلاف انتظار سیاریو نویسان اسلامی، ختم امامی، خاتمه قضایا را در پی نداشت که مسئله را با حدت بیشتر و در ابعاد زیادتری در جامعه مطرح ساخت و رژیم را بیشتر از گذشته به مخمصه انداخت. همه می دانند که دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم در تمام این سالها زیرنظر عالیترین مقامات رژیم جمهوری اسلامی، به قتل و کشتن و ترور مخالفین در داخل و خارج کشوار مشغول بوده است و مجوز قتل ها و ترورهای اخیر نیز توسط آنان صادر شده است. سران رژیم سناپریوسازی میکنند تا خود و رژیم شان را نجات دهند، اما این ترفندها کارساز نمی افتد! و بحران در دستگاه سرکوب و امنیتی رژیم

سعید امامی، ((اجنبی)) ((شهید)) ((یونس)) ی طعمه ((نهنج)) ! ؟

نظافت استاندارد، کشته نیست و سعید امامی هم تا چند روز بعد از سرکشیدن آن زنده بوده ولی ناگهان! قبlesh از کار استاده است! هنوز تصویر این سؤوالات و دهها سؤوال و ابهام نشده است که اکنون با خبر میشوند یکی از همان کسانی که رژیم و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی اش تحت فشار و اعراض مردم به این قتلها و جنایات، آنان را جنایتکار و عامل "اجنبی" خوانده بود، "مطلوبه نه شهید" شده است! موضوع این این قرار است که بعد از "خودکشی" سعید امامی، همکاران او در وزارت اطلاعات و امنیت، آنچنان مراسم مفصلی برایش برپا کردند که بسیار تعجب آور و سؤوال برآمد براش برق سه روز، سه جلسه برگزار کردند در مساجد تهران و بهشت زهرا که به گفته همشهری هریار ۴۰۰ نفر در آن شرکت داشتند برایش برگزار نمودند، بلکه در مراسم شب هفت او، چهره های شناخته شده و با نفوذی نیز شرکت نمودند و در بزرگداشت کسی که بقول رئیس سازمان قضایی رژیم حکش اعدام بود، سخنرانی کرده و از وی بعنوان "شهید" باد کردند. در این مراسم که از ورود خبرنگاران و افراد غریبه جلوگیری و خیابان ها و کوچه های اطراف مسجد توسط یک گروه کماندوی ویژه حفاظت می شد، روای الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و رئیس یکی از شعب دادگاه ویژه روحانیت و همان کسی که در برنامه تلویزیونی "چراغ" در عین آنکه مقتولین را "مهدور الدم" و "مرتد" و "ضد انقلاب" خوانده بود، قتل های زنجیره ای را به نیروهای اطلاعاتی هوادار رئیس جمهور نسبت داده بود، و آخوند دیگری بنام زمانی، مراسم وعظ و سخنرانی داشتند که طی آن از سعید امامی بعنوان "شهید" مظلوم "شیعه یاد کردند که با "مرگ مظلومانه" خود به "اقالله" پیوسته است! بکار بردن این واژه ها با توجه به بارو مضمن معینی که معتقدان با اسلام و شیعه براي آن قائلاند درمورد کسی که به عمل "حرام" خود کشته دست زده بود و طبق اکتشافات ثبت احوال جمهوری اسلامی، هویت و شجره نامه اش کم کم داشت به خاخام های فارس و صهیونیسم وصل میشد، بیش از پیش برموج ناباوریها و ابهامات افزود. اکنون نه فقط مردم که از اول هم هیچ گونه اعتقادی به این داستان نداشتند و آمرین اصلی قتل ها را می شناختند و با حقه بازیهای رژیم اشنا بودند، با شک و تردید به این قضایا نگاه میکردند، بلکه حتی در میان "خودی ها" نیز این لک های بچه گانه شدیداً زیر سؤوال رفت و بی خدایانه در حالی که در روزنامه سلام و مشهری سبب به سخنان حسینیان که کل دستگاه حکومتی را با مشکلات بیشتری روپرتو میساخت اعتماد می کردند و می نوشتند که "سعید امامی از سری برق اصلی قتل ها معرفی شده است" و جریان برپایی مراسم هفت او نشان میدهد که "عقبه سعید امامی همچنان دست نخورده است و کسانی که اورا به آدم کشی گماردند هنوز پا بر جا و قدر تمنند"، روح الله حسینیان در پاسخ به آنها، هم از سخنان و اقدامات خود و هم از سعید امامی که "هنوز پرورده اش به دادگاه نرفته و جوش ثابت نشده بود" دفاع کرد! هدف رژیم از سازماندهی "خودکشی" و سربه نیست شدن سعید امامی که از نزدیکان و همفکران

جدائی دین از دولت، جزوی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

سرمایه داران داخلی و بین المللی خواهان تجدید نظر در قانون کار شدند

تلاش رژیم برای تعریض به حقوق و دست آوردهای کارگران، از طریق خارج کردن کارگاههای که کمتر از چهار کارگر دارند از شمول قانون کار، در نتیجه مقاومت و مبارزه کارگران، عجالتاً با شکست روبرو گردید. مجله ارتقای تصمیم گرفت که این طرح را به مدت ششم ماه مسکوت بگذارد، تا گویا روی آن کار کارشناسانه انجام گیرد. این بدان معناست که برغم شکست رژیم در تصویب طرح، هنوز ماجرا خاتمه نیافته و نمایندگان سرمایه داران در مجلس ارتقای در پی گذشت زمان برای تصویب طرح خود استند، اما در حالی که بررسی طرح عجالتاً به مدت شش ماه مسکوت مانده است، تلاش های ارتقای سرمایه داران داخلی و خارجی برای انجام تغییراتی جدی تر در قانون کار به نفع سرمایه داران تشدید شده است. گروهی از سرمایه داران انگلیسی که اخیراً برای گفتگو با رژیم جمهوری اسلامی به منظور سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای اقتصادی به ایران سفر کردند، پیشنهاد تغییراتی در قانون کار را به نفع سرمایه داران مطرح نمودند. نمایندگان انحصارات انگلیسی در مصاحبه با مطبوعات و خبرگزاریها پیرامون این مساله ادعا کردند که "قانون کار موجود تماماً به نفع کارگران" است و برای رعایت منافع سرمایه داران، این قانون باید تغییر گیرد.

برهه کس که اندکی اطلاع از قانون کار رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد، روشن است کاین قانون در کلیت خود نه از منافع کارگران بلکه سرمایه داران دفاع میکند. دراین قانون که بسیاری از موافقین و استانداردهای بین المللی نیز رعایت نشده، حقوق ابتدائی و پایه ای کارگران در موارد متعدد لکمال شده است. قانون کار رژیم جمهوری اسلامی حتی حق تشکل و اعتصاب را کمدر سراسر جهان برسمیت شناخته شده است، برسمیت نمی‌شناسد. پس نگرانی سرمایه داران از چیست و چه چیز دیگری میخواهد؟ واقعیت این است که سرمایه داران نمیخواهند هیچگونه تهدی در مقابل کارگر بسپارند و میخواهند دستشان کاملاً باز باشد که هر زمان خواستند کارگری را استخدام کنند و هر زمان که اراده کردند او را اخراج نمایند. با دستمزدهای ناچیز، کارگر را به کار و اداره، ساعت کار را به میل خود افزایش دهند و هیچ حق و حقوقی هم برای کارگر قائل نشوند. سرمایه داران میخواهند که همان مواد محدودی هم که در قانون کار موجودیه نفع کارگران است و درنتیجه مبارزات مستمر کارگران، رژیم جمهوری اسلامی ناگزیر به پذیرش آن گردید، از قانون کار حذف کنند، تا در شرایطی که کارگران ایران از داشتن تشکلهای مستقل و حق اعتصاب محروم‌اند، هر چه میخواهند برسر کارگران بیاورند، و استثمار کارگران را بنحوی سبقه ای تشدید کنند. در پی انحصارات انگلیسی، سرمایه داران صنعتی ایران نیز در اجلال مشترک خود به مناسبت "روز صنعت" اعلام نمودند که قانون کار باید

تلاش رژیم برای مهار مطبوعات

درچار چوب سیاستهای این جناح انتشار یابند، پروانه انتشار میدهد و آنها دفاع میکند. جناح دیگر اما در همین محدوده نیز نمیتواند مطبوعات را تحمل کند و علاوه بر این انتشار این نشریات را تضعیف موقعیت خود در مقابل جناح رقیب میداند، لذا با استفاده از ابزارهای مختلفی کمدر اختیار دارد، میکوشد، انتشار آنها را متوقف سازد. در راستای همین سیاست است که اخیراً طرح اصلاح قانون مطبوعات از جانب گروهی از نمایندگان وابسته به جناح اکثریت به مجلس ارائه شد. اگر این طرح به تصویب برسد، این جناح بادرست بازنگری میتواند مطبوعات مخالف خود را تعطیل و سرکوب کند. از انتشار نشریات جدید جلوگیری نمایدو سرانجام این که با تصویب این طرح، بخش اصلی اختیارات وزارت ارشاد در زمینه مطبوعات، از آن سلب و به دستگاه قضائی و روحانیت سپرده میشود. برطبق چندماده اصلاحی و تبصره جدید که دراین طرح آمده است، قرار است رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جماعت سراسر کشور به ترکیب وزیر ارشاد، رئیس شورای شهر و رئیس کل دادگستری استان برای تعیین اعضا هیئت منصفه دادگاه مطبوعات اضافه شود. در همین ماده تبصره ای گنجانده شده است که اگر وزیر ارشاد از تشكیل این هیئت برای تعیین هیئت منصفه خودداری نمود، رئیس کل دادگستری مکلف به دعوت از اعضا هیئت و تعیین هیئت منصفه میباشد. با افزوده شدن رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و یکی از اساتید حوزه علمیه قم به ترکیب اعضا هیئت ناظرات بر مطبوعات، نقش وزارت ارشاد در صدور جواز انتشار نشریات و نیز لغو آنها محدود و این اختیارات عمده ای به جناح دیگر سپرده خواهد شد. از جمله موارد دیگری که در این اصلاحیه برآن تاکید شده، بازگذاشتن دست دادگاههای ضد انقلاب اسلامی در سرکوب مطبوعات است. افشای منابع خبری، مسئول دانستن خبر نگاران و نویسندهای مطالب روزنامه ها و این که اعضا هایی که از مصالحه های خود در پاسخ به علت تعطیل این نشریه گفت: "سو، استفاده کنندگان از آزادی ضرر شان کمتر از دشمنان آزادی نیست. این نشریه با هتاكی و طرح مسائل از زاویه ماجراجویانه تخلفات فراوانی داشته است." برغم این که دست اندک کاران این نشریه از طرفداران حکومت اسلامی هستند که سالها عامل و پیش برند سیاستهای رژیم در سرکوب دانشگاهها بوده اند، اما همین کافی بود که به رهبر حکومت اسلامی انتقاد کنند. اندکی و لایت فیکه را زیر سوال ببرد، تا هر دو جناح مشترکاً علیه آن اقدام کنند. بله! آزادی آقای خاتمی و وزیر دستگاه سانسورش آنقدر آبکی است که حتی نشریه "هویت خویش" را هم نمیتواند تحمل کنند. بهره حالت اینجا هردو جناح سیاست مشترکی در سرکوب مطبوعات دارند. اما در عین حال برای کنترل مطبوعات و مهار آنها، اختلافات و راه حل های متفاوتی هم دارند. جناح خاتمی برای مهار بحران سیاسی، از جمله سیاستهای که دارد، یکی هم، دفاع از انتشار مطبوعات کنترل شده در چارچوب حکومت اسلامی و تاکتیک تساهل و توسمام است. لذا به نظریاتی که بخواهند

سرنگونی رژیم شاه دراین است که برغم رشد بحران سیاسی، نارضایتی و اعتراض مردم و نیز شکاف درونی دستگاه دولتی، این بحران هنوز تا بدان درجه رشد و تکامل نیافرته که سرنشته امور به کلی از دست رژیم خارج شده باشد و دیگر نتواند کاری انجام دهد. لذا برغم این که رژیم دیگر در موقعیتی نیست که بتواند مطبوعات را دارد و مهار کند، معهداً هنوز این قدرت را دارد که دست به یکرته اقدامات سرکوبگرانه علیه مطبوعات بزند. این اوضاع، به نوعی کشمکش و درگیری میان رژیم و تعدادی از مطبوعات انجامیده است. از یک سو، سرکوب برخی مطبوعات و فشاربه آنها ادامه دارد و از سوی دیگر این مطبوعات نیز کار خود را میکنندو حاضر نیستند به دوران گشته رجعت کنند. در برخورد به معضل رژیم در مقابل مطبوعات، برغم این که دو جناح اصلی هیئت حاکمه سیاستهای متفاوتی دارند، اما هردو در این زمینه نقطه نظر واحدی دارند که هر نشریه ای که بخواهد خارج از سیاستهای دو جناح حرکت کند، استقلال بیشتری از خود نشان دهد، و از انتقادات موجود به رژیم و سیاستهای آن گامی فراتر نماید، باید سرکوب و تعطیل شود. در گذشته دیده ایم که وزارت ارشاد اسلامی آقای خاتمی و دستگاه قضائی یزدی متحداً دهها نشریه و روزنامه را تعطیل و مدیران و نویسندهای آنها بجز ندان انداخته اند. آخرین آن نیز نشریه "هویت خویش" بود که با شکایت وزارت ارشاد، توسط دستگاه قضائی توقيف گردید و دو تن از گردانندگان آن هم روانه زندان شدند. سپس هیئت نظارت بر مطبوعات پروانه انتشار مهاجرانی که گویا به وزیر "لیبرال" آقای خاتمی معروف شده است، در یکی از مصالحه های خود در پاسخ به علت تعطیل این نشریه گفت: "سو، استفاده کنندگان از آزادی ضرر شان کمتر از دشمنان آزادی نیست. این نشریه با هتاكی و طرح مسائل از زاویه ماجراجویانه تخلفات فراوانی داشته است." برغم این که دست اندک کاران این نشریه از طرفداران حکومت اسلامی هستند که سالها عامل و پیش برند سیاستهای رژیم در سرکوب دانشگاهها بوده اند، اما همین کافی بود که به رهبر حکومت اسلامی انتقاد کنند. اندکی و لایت فیکه را زیر سوال ببرد، تا هر دو جناح مشترکاً علیه آن اقدام کنند. بله! آزادی آقای خاتمی و وزیر دستگاه سانسورش آنقدر آبکی است که حتی نشریه "هویت خویش" را هم نمیتواند تحمل کنند. بهره حالت اینجا هردو جناح سیاست مشترکی در سرکوب مطبوعات دارند. اما در عین حال برای کنترل مطبوعات و مهار آنها، اختلافات و راه حل های متفاوتی هم دارند. جناح خاتمی برای مهار بحران سیاسی، از جمله سیاستهای که دارد، یکی هم، دفاع از انتشار مطبوعات کنترل شده در چارچوب حکومت اسلامی و تاکتیک تساهل و توسمام است. لذا به نظریاتی که بخواهند

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر)

نکته اشاره کرده این که ۲۱ درصد حرکت‌های اعتراضی کارگری شکل توقف کار و اعتضاب بخود گرفته است. اما موضوعی را که در اینجا باید باز نوچ نمود این است که این رقم ۲۱ درصد، فقط آنسته از اعتضابات کارگری را در بر میگیرد که کارگران صرفاً با امتناع از کار، تولید را متوقف کردند و بی‌آنکه به شکل دیگری از مبارزه کارگری روی آوردن که شکل اعتضاب را تحت الشاعر قرار دهد، بعد از پایان اعتضاب مجددًا "شروع به کار" گردید. حال آن که در سال گذشته بسیاری از حرکت‌های اعتراضی کارگری در شکل اجتماعات اعتراضی دربرابر کارخانه‌ها یا مراکز دولتی رخداده و هرچند که شکل این حرکت‌های اعتراضی، بربایی تجمعات اعتراضی بوده است، اما این تجمعات نیز در هر حال مستلزم آن بوده است که کارگران دست از کار بکشند و یعنی که اعتضاب کنند. در این دسته از حرکت‌های اعتراضی کارگری که شاید بتوان برآن نام "اجتماعات اعتضابی" نهاد، کارگران برای بربایی اجتماع اعتراضی و برای انکه فرضًا در برآفلان دفتر و مرکز اداری جمع شوند، روشن است که قبل از آن باید کاررا تعطیل کرده باشند. بدیهی است که این نمونه حرکت‌های اعتراضی فقط می‌توانسته است در کارخانه‌های هنوز دایر صورت پذیرد. حال اگر از آن دسته از واحدهای تولیدی و کارخانه‌هایی که بکل تعطیل و متوقف و در نتیجه کارگران آن بیکار و بلاکلیف شده‌اند ولذا دراعتراض به این مسئله و برای ادامه کاری کارخانه و بازگشت به کار و امثال آن دسته به تجمعات اعتراضی زده‌اند، صرف نظر کنیم، در باقی موارد، تجمع اعتراضی کارگران مقیمه است، مشروط به دست کشیدن از کار و اعتضاب می‌شده است.

بررسی ما نشان می‌دهد که از مجموع ۵۴ تجمع اعتراضی کارگری، ۲۹ مورد آن یعنی بیش از ۵۰ درصد آن به شکل "اجتماعات اعتضابی" بوده است.

عین این مسئله در مورد راه پیمایی و تظاهرات کارگران و نیز در مورد تحصین کارگران مشغول به کار هم صادق است. کارگرانی که برای مقابله با کارفرمایان و تحقق مطالبات خویش دست به راه پیمایی و تظاهرات زده‌اند و یا در محلی متحصن شده‌اند، معناش این است که قبلًاً دست از کارکشیده و اعتضاب کردند حدود نیمی از این دسته از حرکت‌های اعتراضی کارگری نیز بصورت تظاهرات اعتضابی (۴۰ مورد) و تحصین اعتضابی (۴ مورد) بوده است.

حال اگراین ارقام را $(29 + 4 + 4)$ با رقم تعداد اعتضاب‌هایی که در جدول شماره ۲ آورده شده است (۲۸۰ مورد) جمع بزنیم، حاصل آن ۶۵ مورد اعتضاب، چه اعتضاب خالص چه در ترکیبی با سایر اشکال مبارزه کارگری است. معنای این ارقام این است که در سال گذشته نزدیک به ۵۰ درصد از مجموعه حرکت‌های اعتراضی کارگری، بصورت اعتضابات بروز یافته است و این، مسئله بسیار مهم و در خور توجهی است. تاکید بر اهمیت این شکل مبارزه کارگری از دوچندین حائز توجه است. یکی از این جنبه که کارگران ایران درحالی دهها بار دست به اعتضاب زده و از این شکل عالی مبارزه علیه کارفرمایان استفاده کردند که او لا" طبق معیارهای جمهوری اسلامی، اعتضاب یک عمل غیر قانونی است وکثیرین محاذات آن سرکوب و اخراج است. دوماً در شرایطی که بدون اعتضاب هم دسته دسته از کارگران اخراج و از کار بیکار می‌شده‌اند، اعتضاب بیش از هروقت دیگری با خطر

کشیدن از کار و اعتضاب، به مقابله با کارفرمایان و سرمایه داران برخاستند وازاین طریق خواستار تحقق مطالبات خود شدند. این شکل مبارزه کارگری "عمده" در واحدهای بزرگ تر و کارخانه‌هایی که کارگران آن از تجربه و آگاهی بیشتری دربارزه شده است. اعتضابات کارگری اگرچه اساساً تک افتاده و بی‌ارتباط بهم بوده است، اما کارگران در این اعتضابات متعدد، چه دراعتضابات کوتاه مدت و یکی دو ساعته و چه اعتضاباتی که چندروز و گاه به دو هفته و بیشتر هم به درازا کشید، گوشده ائمی از نیروی اتحاد خویش را به نمایش گذاشتند. از جمله مهم ترین اعتضابات کارگری در سال گذشته میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

اعتضاب کارگران کارخانه نوب فلزات یزدراواخر فروردین، اعتضاب کارگران نوب پتو باقی رشت در همین ماه، اعتضاب کارگران نوب آهن اصفهان (کوره بلند) در فروردین و خرداد، اعتضاب ۵۰۰۰ کارگر نساجی مازندران در اردیبهشت، اعتضاب ۲۰۰۰ کارگر کارخانه‌های چیت سازی تهران در خردادماه، اعتضاب ۱۸۰۰ تن از کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در شهرپرورماه، اعتضاب ۲۰۰۰ تن از کارگران شرکت چنگل شفارود در همین ماه، اعتضاب در نخ ریسی پارسیلون خرم آباد در آبان ماه، اعتضاب ۲۵۰۰ تن از کارگران نساجی مازندران (اقام شهر) در همین ماه، اعتضاب ۸۰۰ تن از کارگران کارخانه شیشه همدان در آذرماه، اعتضاب ۷۰۰ تن از کارگران شرکت سپورکس در اسفندماه. در این اعتضابها و دهها اعتضاب دیگر که در جدول شماره (۲) نیزهان اشاره شده است، اعتضابیون خواستار حقوقهای عقب افتاده، امنیت شغلی، بهبود شرایط کار، افزایش دستمزدها، طرح طبقه بندی مشاغل و نظیر اینها شده‌اند.

در رابطه با اعتضابات کارگری به دونکه باید اشاره کرد. اولاً در پاره ای موارد اعتضابات کارگری از حد توقف ماشینها و صرفاً دست کشیدن کارگران از کار فراتر رفته و از برخی ویژگیها نیز برخورداربوده است. بعنوان مثال در کارخانه شیشه سازی همدان، کارگران که در اعتراض به سیاست‌های مدیریت کارخانه دست از کار کشیده بودند، در ادامه حرکت اعتراضی خود، ازورود معاونت اجرایی به کارخانه نیز ممانعت کرده و بخارتر برخوردهای اهانت آمیز وی با کارگران، خواستار برکناری وی می‌شوند. و یا کارگران نساجی مازندران که ضمن اعتضاب واشغال کارخانه مدیر عامل شرکت را نیزیازداشت می‌کنند و یا کارگران پویاگی رشت که ضمن اعتضاب و توقف تولید، برای آنکه صدای اعتراض شان را بگوش سایرین برسانند، اقدام به مسدود نمودن جاده فومن رشت می‌کنند و یا در یک مورد دیگر که کارگران پالایشگاه‌های نفت آبادان، بذرعباس و نیز بندر ماشهر و مسجد سلیمان در یک اقدام هماهنگ و مشترک به دولت هشدار میدهند چنانچه دستمزد آنها برای نخ تورم افزایش نیابد و پیمان‌های دسته جمعی کار به مرحله اجرا گذاشته نشود،

"متقاً" دست به اعتضاب خواهند زد که تقریباً هم‌زمان با آن کارگران پالایشگاه‌های تهران، تبریز، شیراز و اصفهان نیز اولتیماتوم مشابهی به دولت می‌نهند! واما نکته دومی که باید آن اشاره کنیم، موضوع کمیت اعتضابات است. ما در جدول شماره ۲ به این

در شماره قبلی نشریه کاربررسی جنبش کارگری در سال ۷۷ را تا توضیحاتی پیرامون اشکال مختلف حرکتهای اعتراضی کارگران تدقیق کردیم و در بررسی اشکال مختلف حرکت‌های اعتراضی کارگری ما توضیح دادیم که در سال گذشته تجمع اعتراضی کارگران در برابر کارخانه‌ها و یا مراکز دولتی، یکی از مهمترین اشکال اعتراضی کارگران بوده است. اکنون پیردازیم به سایر اشکال حرکت‌های اعتراضی کارگری.

بررسی مادرزمینه اشکال مبارزه کارگری، اینطور نشان می‌دهد که بعد از تجمع اعتراضی، ارسال نامه و طومار اعتراضی به مطبوعات، ادارات و مسئولین حکومتی، از لحاظ کمی رقم بالنسیه بالائی را تشکیل میدهد و به حدود ۲۶ درصد از کل حرکت‌های اعتراضی کارگران می‌رسد. همین بررسی حاکی از آن است که این شکل اعتراض کارگری، عموماً بیشتر در واحدهای کوچک تر مورد استفاده قرار گرفته است و یا اگر هم در سایر احدهای توییدی از این شکل مبارزه استفاده شده است، گاه در ادامه و گاه در تداوم و در ترکیب با سایر اشکال مبارزه کارگری بوده است. بعنوان مثال در کارخانه نازپوش انزلی، کارگران هم‌زمان با تجمع اعتراض آمیزی که در محل کارخانه پرپا کرده بودند، ناماعتراض آمیزی نیزبرای مطبوعات فرستادند یا کارگران صنایع ضایعات فلزی، کارخانه نخکار، کیان چرخ و برخی دیگران واحدهای تولیدی نیز که ترکیبی از نامه نویسی و امضاء طومار با سایر اشکال مبارزه را به کار گرفته اند. در هر حال موضوع و مطالبات مطبوعه در این نامه‌ها همانطور که در جدول شماره (۲) نیزاعکاس یافته است اساساً بازتاب تعرض کار فرمایان و سرمایه داران است. احتمال انجلا و یا توقف واحد تولیدی، قراردادهای موقت، بازخرید و اخراج، موضوع اعتراض این نامه‌ها بوده که با خواسته‌های چون ادامه کاری کارخانه، بازگشت بکار، طلب‌های معوقه و امثال آن همراه بوده است. قاعده عمومی اگرچه برهمین منوال بوده است اما استثنای این است که در این زمینه نیز دیده می‌شود به این صورت که در معدودی از واحدهای تولیدی در عین آنکه کارگران از این شکل مبارزه استفاده کردند که یک شکل اولیه و دقاعی است، اما مطالباتی فراتر از اینها را مطرح کرده‌اند. مثلاً کارگران چاه نفت شماره یک کوکود کوه، پروژه‌ای نفت آبادان، نفت گپسaran و کارگران مس کرمان، در نامه‌های اعتراضی خود، خواسته‌ای نظیر، انعقاد پیمانهای دسته جمعی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش دستمزدها و مزایای کامل را نیز به میان کشیده اند. بهر رو اگر از اعتراضات کارگری در شکل ارسال نامه و امضاء طومار درگزیریم، بعد از اعتراض کارگری در شکل برپایی تجمعات اعتراضی، بیشترین رقم و شیوه مبارزه کارگری در سال گذشته، اعتضاب بوده است.

اعتضاب:

اصلی ترین شکل اعتراض کارگری در سال ۷۷ توقف کار و دست زدن به اعتضاب بوده است. دهها هزار تن از کارگران در سراسر ایران، برغم محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی گوناگونی که رژیم علیه کارگران و برای ممانعت از اعتضابات کارگری اعمال نموده است، با دست

مصنون میماند. موضوع آنقدر روشی است که حتی نایب رئیس کمیسیون کارمجلس نیز تجارت قلی در این زمینه را مثال میزند و از کاهش پشمکیگر نیروی کاردر کارگاههای ۵ تا ۹ نفر در سالهای ۷۵-۷۰ به علت بخشودگی حق بیمه سهم کار فرمایان کارگاههای زیر ۵ نفر یاد می‌کند. او میگوید "آمار نشان میدهد که از زمان اجرای این بخشودگی، کارگاههای ۵ تا ۹ نفر بتدربیگر کارگران خود را برای استفاده از بخشودگی قانونی مرتبی" کاسته‌اند که درنتیجه ۴۱۸۶۶ نفر به خیل بیکاران افزوده شده اند" (کار و کارگر ۱۲ خرداد ۷۸) بنابراین، "اولاً" این مسئله کاملاً روشی است که یکی از عوارض اجرای این طرح، اخراج و بیکاری صدها هزار کارگر است، ثانیاً هدف اینست که در گام اول کارگاههای از یک تا سه نفر را از شمول قانون کار خارج کنند، بعد به کارگاههای زیر ۱۰ نفر برستند و بعد هم به کارگاههای بزرگتر و کل واحدهای تولیدی!

به حال اگر برجی از خانه کارگریها و طرفداران خاتمی از این زاویه که با تصویب این طرح دولت از دریافت سالانه مبلغ ۵۰۰ میلیارد ریال بعنوان حق بیمه از بخش تامین اجتماعی محروم میشود و یا ذکراینکه تصویب این طرح "به زیان اقتصاد ملی" است و یا از این جنبه که تصویب این طرح ۲۵۰ میلیارد ریال ازناحیه اخراج کارگران کارگاه های ۴ الی ۵ نفره بارمالی به همراه دارد (کار و کارگر ۱۲ و ۱۸ خرداد ۷۸) با آن مخالفت میکردند، اما کارگران که در تصویب این طرح تعرض وسیع ترس‌نماییه داران و کارفرمایان را می‌دیدند، به درستی با آن به مخالفت برخاستند و هم‌ فقط کارگران مشغول به کار در کارگاههای کوچک تا سه نفر، که همه کارگران شدیداً در برابر این طرح از خود عکس العمل مخالفت آمیزنشان دادند. تعرض به این بخش از کارگران، تعرض به سایر بخشهای کارگری بود. کارگران به تجربه دریافت بودند که وخت شرایط کارگران در این بخش، "یقیناً" برروی سایر بخش های کارگری نیز تاثیر مکنده‌اند و قدرت چانه زنی کارگران را در مجموع از این هم که هست پائین تر می‌آورد. مخالفت گسترده کارگران بحدی بود که برخی از نمایندگان که جزو ۳۰ نماینده امضا کننده طرح بودند دوروز قل از رای گردی، حتی اعلام کردند که از این طرح، دیگر دفاع خواهند کرد و هیئت وزیران نیز با آن مخالفت کرد. معهداً برغم تمام اینها روز هجدیم خرداد، کلیات طرح معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار با ۱۰۷ رای موافق در برابر ۹۳ رای مخالف و ۹ رای ممتنع از تصویب مجلس گشت.

تصویب نهایی کلیات این طرح که خشم و نارضایتی عمیق کارگران را در پی داشت، فضای التهاب امیزی را بر محیط های کارگری مستولی کرد. در حالیکه کارگران خود را برای مبارزه ای وسیع و گسترده آماده می‌کردند، مبارزه ای که دیگر قرار نبود در چارچوب اراده و تلاش خانه کارگر و امثال آن محدود شود و این را در نظرهای روز اول ماه مه هم نشان داده بودند، مبارزه ای که در جریان آن اوضاع از دست اینان و همه به ظاهر مدافعان حقوق کارگری خارج میشد و عوایق آنها غیرقابل پیش بینی بود، درحالیکه کارگران ضمن ابراز مخالفت اعراض آمیز شدید با این مصوبه تهدید میکردند که تصویب کنندگان خود باستی عوایق این مسئله را پاسخ گو باشند! همان روز این صدای گوش مجلس ارتعاج هم رسید و پیشنهاد مسکوت گذاشتند شش ماهه آن که از طرف ۴۰ تن از نمایندگان مطرح شده بود، روز بعد به بحث و رای گیری گذاشته شد که از مجموع ۱۹۹ نماینده حاضر ۱۰۱ نفر به آن رای مثبت ۸۰ نفر رای منفی و ۱۸ نفر رای ممتنع دادند و به این ترتیب مجلس، عقیم ماندن مصوبه خویش را

ارتعاج در حین پیشروی، در برابر کارگران عقب نشست!

این طرح هم، نه دستمزد آنها طبق میزان حداقل دستمزدی که در "شورای عالی کار" تعیین میشود، تعیین و پرداخت میشده است، نه ساعات کار انها محدود و مشخص بوده است و نه در اکثر موارد از مزایای تامین اجتماعی و سایر مزایای حقوقی کارگاههای بزرگ و کارخانه ها برخوردار بوده‌اند. دستمزدها، ساعات و شرایط کاروگیره در این نوع کارگاههای تمام شده تامین اجتماعی کارگاه و به شیوه ای پدرسالارانه تعیین میشده است و هر لحظه هم که کارفرمای اراده کرده است، بدون دردسر، کارگران را اخراج میکردد. بنابراین هدف طراحان و مدافعین اصلی این طرح فقط محروم سازی بخش زیادی از کارگران از حقوق و مزایای اجتماعی به رسمیت شناخته شده در قانون کار، حال در همان محدوده اندکی که می‌توانستد از آن استفاده نمایند نبود، هدف آنها فقط این هم نبود که دست کارفرمایان و صاحبان کارگاههای کوچک را در تشذیب فشار به کارگران و استثمار وحشیانه و یا اخراج آنان بازترکند، هدف اصلی و نهایی آنها فراتر از این ها، تعرض به همه کارگران از طریق "تغییر و اصلاح" قانون کار است. آنان از ازاوای سطح سال گذشته موضوع تغییر قانون کار را پیش کشیده و حتی پیش نویس قانون جدیدی را نیز تهیه کردند، چنین هدفی را پنهان نکرده اند و با جدید، اما به آرامی آن را تعییب کرده اند. امروز هر کارگر بالسبه آگاهی این موضوع را می‌داند که قانون کار جمهوری اسلامی، قانونی بغاای ارتقای انسانی از این ها، تعرض اساسی ترین خواسته های سیاسی و اقتصادی کارگران پایمال شده است و حتی استانداردهایی بین المللی و نرم های سایر کشورهای سرمایه دار ملزم به پرداخت حق بیمه و رعایت پاره ای مسائل دیگر نسبت به شرایط کار می‌نماید و از همین‌رو آنها هم از استخدام کارگر خودداری میکنند، شمول قانون کاربرای مورد را امری دست و پا گیر دانسته و به بهانه ایجاد اشتغال و استخدام کارگران و کاهش بیکاری، خواهان معافیت این کارگاه ها از شمول قانون کار و تامین اجتماعی کارگاههای کوچک، کارفرمایان و صاحبان این کارگاهها را درمیان کارگران برانگیخت و برپاراضایتی آنان دامن زد. ارائه کنندگان این طرح که از هردو جناح اصلی رژیم درمیان انها دیده می‌شد، تحت این عنوان که جاری بودن قانون کار در مرور کارگاه های کوچک، کارفرمایان و صاحبان این کارگاهها را ملزم به پرداخت حق بیمه و رعایت پاره ای مسائل دیگر نسبت به شرایط کار می‌نماید و از همین‌رو آنها هم از استخدام کارگر خودداری میکنند، شمول قانون کاربرای مورد را امری دست و پا گیر دانسته و به بهانه ایجاد اشتغال و استخدام کارگران و کاهش بیکاری، خواهان معافیت این کارگاه ها از شمول قانون کار و تامین اجتماعی زیادی از کارگران از حقوق و مزایای اجتماعی شان بودند. حقوق و مزایای حقوقی کارگران که در قانون کار ترسیم شده شدند. این برای خدمت کارگران هرچه بیشتر به کارگران و صاحبان این کارگاهها، بدون هیچ امکانات ایمنی و بهداشتی و امثال آن گذشته شده است. از نحوه استخدام و تعیین حداقل دستمزدها گرفته تا ساعت و شرایط کار و ضوابط حاکم بر اضانه کاری، امنیت شغلی، بیمه درمانی، از کارافتادگی، بیکاری و موضوع امکانات ایمنی و بهداشتی و امثال آن گذشته شده است. در قانون کار جمهوری اسلامی کارگران حتی از حق اعتماد و حق ایجاد تشکلهای مستقل خود هم محروم اند. با این وجود سرمایه داران و کل طبقه حاکمه که موقع تعریض به طبقه کارگر را مناسب یافته و استعدادهای اینها از این نظر بخشنده است و صاحبان سرمایه با وجود این قانون کار نهفته اند و می‌دانند را تدارک می‌مینند. آنان با این ادعای که رشد ناسیمانی تری را می‌بینند، خوب یک قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه ای از این قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه با وجود این قانون، رغبتی برای سرمایه گذاری از خود نشان نمی‌دهند، هدف اصلی و رکود و غیره در قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه با وجود این قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه ای از خود را تغییر قانون کار قرار داده اند، تا همان اعصار گذشته و باب "اجاره" و "جهاله" رجعت دهند. تصویب کنندگان این طرح ضدکارگری، با تعریض جدید خود به حقوق کارگران، درواقع امر تعریض بزرگ تر و وسیع تری را تدارک دیده اند. تصویب این طرح هرچند دراغز به معنی بیکاری صدها هزار کارگر مشغول بکار در کارگاه های کوچک می‌باشد و کارفرمایان این کارگاهها برای استفاده از مزایای این طرح و رساندن کارگران کارگاه به مرز سه کارگر، بدون فوت وقت دست به اخراج وسیع کارگران خواهند زد، اما این طرح نه قرار است در این حدود باقی بماند ونه شرایط کار سایر کارگران و کل طبقه کارگرازیان تعیین

طرح معافیت کارگاه های کوچک از شمول قانون کار و تامین اجتماعی، سرانجام روز هجدهم خرداد از تصویب نهایی مجلس ارتعاج گذشت. مجلس، همزمان با تصویب این طرح، مسکوت گذاشتند ع ماهه اجرای مصوبه خود را نیز تصویب کرد. طبق این مصوبه مجلس، کارگاههای که دارای سه کارگر ویا کمتر هستند بطور رسمی از دایره شمول قانون کار و تامین اجتماعی کنار گذاشته شدند. توافق نهایی جناح های اصلی حکومتی روی این موضوع و تصویب چنین طرحی که دست کم شامل حال ۴۰ درصد از کارگران می‌شود و به هفته وزیر کار ۲ میلیون و ۸۰ هزار کارگر و ۱ میلیون و ۹۰ هزار کارگر را نیز دربر میگیرد، باریگر برپاهیت ضدکارگری این جناحها برغم مهده و هرگونه تفاوت و اختلافی که دارد، مهر تائید زد.

طرح معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون کار، از همان آغاز یعنی از همان وقتکه در اسفند ۷۷ به پیشنهاد اتفاق بازگانی و اضطرار نزدیک به ۳۰ نماینده به مجلس ارائه شده بود و بعد یک فوریت آن در ۲۹ فوریه ۷۸ از تصویب مجلس گذشت، اعتراضات و مخالفتی شدید و گستردگای را درمیان کارگران برانگیخت و برپاراضایتی آنان و استثمار وحشیانه و یا اخراج آنان بازترکند، هدف اصلی و نهایی آنها فراتر از این ها، تعرض به همه کارگران از طریق "تغییر و اصلاح" قانون کار است. آنان از ازاوای سطح سال گذشته موضوع تغییر کردند، اما از هردو جناح این موضع را می‌دانند که قانون کار جمهوری اسلامی، قانونی بغاای ارتقای انسانی از این ها، تعرض اساسی ترین خواسته های سیاسی و اقتصادی کارگران پایمال شده است و حتی استانداردهایی بین المللی و نرم های سایر کشورهای سرمایه دار ملزم به پرداخت حق بیمه و رعایت پاره ای مسائل دیگر نسبت به شرایط کار می‌نماید و از همین‌رو آنها هم از استخدام کارگر خودداری میکنند، شمول قانون کاربرای مورد را امری دست و پا گیر دانسته و به بهانه ایجاد اشتغال و استخدام کارگران و کاهش بیکاری، خواهان معافیت این کارگاه ها از شمول قانون کار و تامین اجتماعی زیادی از کارگران از حقوق و مزایای اجتماعی شان بودند. حقوق و مزایای حقوقی کارگران که در قانون کار ترسیم شده شدند. آنان برای خدمت کارگران هرچه بیشتر به کارگران و صاحبان این کارگاهها، بدون هیچ امکانات ایمنی و بهداشتی و امثال آن گذشته شده است. از نحوه استخدام و تعیین حداقل دستمزدها گرفته تا ساعت و شرایط کار و ضوابط حاکم بر اضانه کاری، امنیت شغلی، بیمه درمانی، از کارافتادگی، بیکاری و موضوع امکانات ایمنی و بهداشتی و امثال آن گذشته شده است. در قانون کار جمهوری اسلامی کارگران حتی از حق اعتماد و حق ایجاد تشکلهای مستقل خود هم محروم اند. با این وجود سرمایه داران و کل طبقه حاکمه که موقع تعریض به طبقه کارگر را مناسب یافته و استعدادهای اینها از این نظر بخشنده است و صاحبان سرمایه با وجود این قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه ای از این قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه با وجود این قانون، رغبتی برای سرمایه گذاری ای از خود نشان نمی‌دهند، هدف اصلی و رکود و غیره در قانون کار نهفته است و صاحبان سرمایه ای از خود را تغییر قانون کار قرار داده اند، تا همان اعصار گذشته و باب "اجاره" و "جهاله" رجعت دهند. تصویب کنندگان این طرح ضدکارگری، با تعریض جدید خود به حقوق کارگران، درواقع امر تعریض بزرگ تر و وسیع تری را تدارک دیده اند. تصویب این طرح هرچند دراغز به معنی بیکاری صدها هزار کارگر مشغول بکار در کارگاه های کوچک می‌باشد و کارفرمایان این کارگاهها برای استفاده از مزایای این طرح و رساندن کارگران کارگاه به مرز سه کارگر، بدون فوت وقت دست به اخراج وسیع کارگران خواهند زد، اما این طرح نه قرار است در این حدود باقی بماند ونه شرایط کار سایر کارگران و کل طبقه کارگرازیان تعیین

که با این طرح ظاهراً "مخالفت میکردند، وقتی که در حال حاضر هم چنین عنوان بیرون بوده است و هیچگونه کنترل و نظارتی نیز برانها اعمال نمیشده است. آنان در جریان جدال های لفظی خود با کسانی که با این طرح ظاهراً "مخالفت میکردند، صراحتاً" چنین عنوان بیرون بیرون بوده است و هیچگونه این قانون در اکثر موارد رعایت نمی شود، پس چه اصراری به حفظ آن درروی کاغذ است؟ آنان مخالفین این طرح را حتی به مخفی کردن حقایق از چشم کارگران نیز متهم میکردند. ازسوی دیگر دسته مقابله نیزبا تأثید ضمیمی اینکه چنین کارگاه هایی عمل" از شمول قانون کار خارج بوده اند ونه شرایط اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها میکردند، از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای از شمول قانون نفع کارگاهها عمل" از این قانون کار بخوبی حفظ شدند. حقوق و مزایای اجتماعی شان به رسمت شناخته شده بود و در پاره ای موارد رعایت میشد و در بسیاری موارد هم این حقوق عمل" نقض میشد و ازین حقوق کاغذی فراتر نمیرفت. مدافعین اصلی این طرح، البته میدانستند و میدانند که درسالهای ا



تصویب کلیات طرح

اصلاح قانون مطبوعات

گام دیگری در تشدید اختناق

مجلس ارتجاع اسلامی، در جلسه امروز ۱۶ تیر، طرح اصلاح قانون مطبوعات را تصویب کرد. با تصویب کلیات این طرح، رژیم جمهوری اسلامی گام دیگری در تشدید اختناق و سرکوب هرچه بیشتر مطبوعات برداشت. درچند ماه گذشته دستگاه قضائی و نیز دستگاه سانسور موسوم به ارشاد اسلامی تعدادی از مطبوعات را تعطیل کردند. چند روز پیش وزارت ارشاد اسلامی پروانه انتشار نشریه «هویت خویش» را لغو نمود و امروز خبر رسید که دادگاه ویژه روحانیت دستور داده است، انتشار روزنامه «سلام» تا اطلاع ثانی قائم مقام رئیس جمهوری خواهد بود. این اقدامات بروزگران را در میان دستگاه قضائی کافی نبود، لذا گروهی از نمایندگان مجلس، طرح اصلاح قانون مطبوعات را ارائه دادند. برطبق این اصلاحات دست دستگاه قضائی بوسیله دادگاه ضد انقلاب اسلامی در سرکوب مطبوعات و روزنامه خبرگران و خبرنگاران و نویسندهای کتابخانه‌ها با تضییقات بیشتر روپرتو می‌شوند. چنان‌گاه انتشار نشریه صرفاً به کسانی داده خواهد شد که علاوه بر طرفداری از حکومت اسلامی از تنکن سالی لازم برخورد دار باشند. در این طرح با غلط‌بینی نسبت به گذشته تأکید شده است که مخالفین حکومت از حق داشتن هرگونه نشریه، نوشتن مقالات در نشریات علمی، یا عهده دارشدن مستثنی در مطبوعات محروم‌اند. اما این فقط شامل مخالفین نمی‌شود، تمام محکومان دادگاه‌های ضد انقلاب اسلامی و نیز طرفداران نیمه قانونی حکومت اسلامی راهم شامل می‌شود. با تصویب این طرح کفته می‌شود قراراست به هنگام بحث در مورد جزئیات آن، مواد تشیید کننده‌ای نیز به آن افزوده شود، حتی نشریات طرفدار خاتمه‌ی هم با محدودیت‌هایی روپرتو خواهندبود. چرا که در این طرح بخش مهمی از اختیارات وزارت ارشاد از آن سلب و در اختیار ارکانها و نهادهای دیگر نظری دستگاه قضائی و سازمان تبلیغات اسلامی قرارخواهد گرفت. جناح رقیب خاتمه در هیئت نظارت بر مطبوعات و به اصطلاح هیئت منصفه مطبوعات از اکثریت برخورد را خواهد شد.

با تصویب این طرح نتش فریکارانه محمد خاتمی و وزیر ارشاد او که می‌خواستند با دادن اجازه انتشار چند شریه به طرفداران خود، ادای آزادیخواهی را در پیاروند، بیشتر بولما می‌کرد. در بحث امروز مجلس، مهارجانی به صراحت گفت: «هیچکس با اصلاحیه قانون نمی‌تواند مخالف باشد. ما با اصلاح قانون مطبوعات مختلف نیستیم، اما معنتدیم که در این خصوص نوعی شتابزدگی صورت گرفت.»

روشن است که این دو جناح برغم اختلافاتی که با یکدیگر دارند، دشمن مردم و آزادی‌های آنها هستند. آنها هر جا که پای مردم در میان آید، متحداً علیه مردم اقدام می‌کنند. اگر احیاناً نشریه‌ای پیدا شد که بخواهد اندکی فراتر از انتقادات سطحی جناح ها حرف بزند، باهم سرکوش می‌کنند. اجازه گردد آنی، راهپیمانی و تحسن به گروههای دانشجویی که مخالف جملی حکومت اسلامی هم نیستند، داده نمی‌شود و گروهی از آنها را دستگیر و روانه زندان می‌کنند. این اقدامات رژیم جمهوری اسلامی در تشدید سرکوب و اختناق هدف دیگری جز مقابله با تنبیلات آزادیخواهان مردم و تلاش برای مهار آنها را ندارد. اما این اقدام هرچه بیشتر به توده‌های مردم ایران ثابت می‌کند که باید حکومت جمهوری اسلامی را با تمام جناح هایش سرنگون کرد.

**سرنگونی پاد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقفیت)**

۱۳۷۸/۴/۱۶

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

ناطق نوری: وقتی سیل بیاید همه را خواهد برد

ناطق نوری در شرایط کنونی تحقق نخواهدیافت، معهدها نگرانی او واقعیت دارد. توده‌های مردم ایران علیه تمام حکومت و همه جناحهای آن هستند. هنگامی که جنبش توده ای به مرحله ای از رشد و اعتلا خود برسد که انقلاب در دستور کارقرار گیرد، رژیم جمهوری اسلامی را در گلیت اش به زباله‌دانی تاریخ خواهد سپرد. البته‌تها جناحهای سهیم در حاکمیت نیستند که از وقوع یک انقلاب، یا به قول ناطق نوری، آمدن سیلی که همه را خواهد بردگران می‌ستند. این نگرانی تمام‌گردها و دستجات بورژوازی است که امروزه تمام امید خود را به پیروزی خاتمی در مهار جنبش انقلابی مردم ایران دوخته‌اند. اخیراً یزدی دبیر کل نهضت انقلاب هشدار داد. وی در مقاله‌ای در روزنامه سران رژیم، آنها را به تلاش برای حل این بحران فراخواند و با آوردن نقل قولی از خمینی که خطاب بدست اندکاران رژیم می‌گوید بترسید از آن روزی که اگر مردم بپاچیزند، فاتحه همه را میخواند، راه حل خود را برای حل این بحران ارائه داد. او خواهان «اجرای تام و قوی اساسی» و «فعالیت گروههای سیاسی و فادار به نظام و ملتزم به قانون اساسی» شد، که از نظر او این اقدام منجر به «حل یا کاهش بحران مشتروعیت» رژیم خواهد شد. والا روحی گرداندن از این اقدامات «تشدید خواهانها» را در پی خواهد داشت و به ضرر جمهوری اسلامی «تمام خواهد شد. سران نهضت آزادی هم که از چشم انداز جنبش توده ای و قیام مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی دچار هراس شده و این راهم می‌بینند که رژیم هیچ اعتباری در میان مردم ندارد، تصور میکنند که رژیم میتواند بادادن اجازه رسمی فعالیت به «گروههای سیاسی و فادار به نظام و ملتزم به قانون اساسی» بحرانی را که دارای ریشه‌های عمیق اجتماعی و سیاسی است و کند. بحران موجود عمیق‌تر از آنست که با اتحاد گروههای سیاسی و فادار به نظام «حل گردد.» این بحران راه حل خود را درنیوچول تضادهای می‌طلبد که زائیده این نظام اند و با برانداختن نظام حل می‌شوند. تنها توده مردم، کارگران و رحمتکشان آند که میتوانند با انقلابات خود بر بحران های موجود غلبه کنند و این انقلاب نه فقط علیه حکومت اسلامی و جناحهای آن بلکه علیه همه طرفداران حکومت اسلامی و تمام دستجات بود. هر اس سیل فراخواهد رسید و طومار زندگی همه مرتعین را در هم خواهد پیچید.

رئیس مجلس ارتجاع اسلامی دریک سخنرانی که به مناسبت ۷ تیر سالروز مرگ مرتضیعین، ایراد نمود، نگرانی شدید خود را از اوج کیمی بحران سیاسی موجود و تشدید اختلافات جناحهای هیئت حاکمه ابراز داشت و هشدار داد که اگر سیل بنیان کن جنبش توده ای بحرکت درآید، حکومت و همه جناحهای آن را نابود خواهد کرد. وی گفت: «وقتی سیل بیاید، همه را خواهد برد. بحث این گروه و آن گروه نیست. امروز چپ و راست معنا ندارد. معادلات تغییر کرده و با بایدگوئی نیروهای خودی و غیرخودی.» این نخستین بار است که یکی از سران جناح مسلط هیئت حاکمه، به وحامت وضعیت رژیم اشاره می‌کند و این چنین آشکارا هراس خود را از طغیان هشدارهای جناح هیئت می‌پرسد. تاکنون به رغم خطر را به صدا در آورده است، این جناح براین اعتقاد بود که هیچ اتفاق خاصی نیافتاده، اوضاع عادی است و رژیم با هیچ بحران جدی روبرو نمی‌باشد. اما حالا رئیس مجلس ارتجاع که از سر کردکان جناح مسلط هیئت حاکمه است، او هم خطر را احساس کرده و هراس خود را از وقوع یک انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی آشکارا برزبان می‌آورد. با این همه، راه حلی که او برای مقابله با بحران و جنبش توده‌ای ارائه می‌دهد، یکپارچگی حکومت در برابر این جنبش و سرکوب آن است. او میگوید وقتی که سیل جنبش توده ای راه افتاد، علیه تمامیت حکومت است و چپ و راست نمی‌شناسد. لذا با توجه به وحامت اوضاع یا به‌گفته خودی تغییر معادلات «امروز چپ و راست معنا ندارد» و «نیروهای خودی» علیه نیروهای «غیر خودی» باید متحدگردند. ناطق نوری راه حل مقابله با بحران سیاسی موجود میداند، اما نکته ای که او نمیتواند درک کند این است که بحران سیاسی، نتیجه‌اختلافات جناحهای حکومت نیست بلکه بالعکس تشدید اختلافات و ایجاد شکاف در درون دستگاه دولتی، خود معمول این بحران سیاسی است. دقیقاً بخطاطرهین بحران و شکست سیاستهای گذشته رژیم است که جناح طرفداران جناحی را با سیاستهای جدیدی به مقابله با بحران سیاسی برخاسته و در موارد متعدد با جناح دیگر اختلاف پیدا کرده است. حالا اوضاع به گونه ای است که عجالت‌الحال تضادهای اختلافات درونی رژیم برمحور سیاستهای گذشته ممکن نیست و تزهی امثال ناطق نوری نیز با شکست روبرو خواهد شد. با این همه برغم این که آرزوهای مرتعین امثال

ارتجاع در حین پیش روی، در برابر کارگران عقب نشست!

که سرمایه داران و کارفرومان تعریض وسیع تری را تدارک دیده اند و می‌خواهند قدم به قدم پیش بروند. اما کارگران که عجالتاً «توانسته اند این طرح را عقیم کنند و جلو این تعریض را بگیرند، یقیناً» نسبت به آن تعریض وسیع تر هم ساخت نشسته و پیاس سخت و بدنان شکنی به متعرضین خواهند داد و آنان را سرجایشان خواهند نشاند!

زیرنویس:

۱- ماده ۱۹۱ قانون کار می‌گوید "کارگاه‌های کوچک کمتر از نفر را میتوان برحسب مصلحت موقع" از شمول بعضی مقررات این قانون مستثنی نمود.

تصویب کرد و اجرای این طرح به مدت شش ماه مسکوت ماند! روحیه بالتبه بالای اعتراضی در میان کارگران برای آمدن به خیابانها آنهم بمرتم اوضاع متلاطم جامعه، به مجلس ارتجاع چنین دیکته کرد تا عجالتاً طرح مصوب خود را مسکوت بگذارد. طراحان و تصویب کنندگان این طرح هرچند از زروع "مصلحت" اند، اما این اولاً "معنای خاتمه تعریض علیه کارگران و ثانیاً" معنای پرهیز از پیاده کردن و عملی ساختن بی جار و جنجال آن نیست. مسکوت گذاشتن این طرح عقب نشینی طراحان آن در حین پیش روی است. موضوع اساسی آن است

ستون مباحثات

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص باید.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می‌گردد.
- هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال می‌گردد حداقل می‌تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه با دو صفحه نشریه کار باشد.

جمهوری و حکایت مردان!

بعنوان رئیس جمهور چرا که نه؟ چون معتقدم سلطنت پادشاهی برای مردم مهم باشد اما نمیتواند مهتمه‌زمردم باشد . . . ممکن است مردم ایران بگویند که نه، نظام پادشاهی در ایران سیر طبیعی خودش را طی کرده اما از این بعد ما می‌خواهیم با یک نظام جمهوری پیش ببریم، ما نمی‌توانیم در آن زمان که مردم نمی‌خواهند که در هر حال من مخالف سرسخت خشونت هستم" (۲)!

رضاعلی این موضوع را بهتر از بسیاری از به استلاح چهای و دمکراتها می‌فهمد که اساس مسئله می‌گوید "اگر محنتی نظام شکل دمکراتیک داشته باشد، در اصل واقعاً من معتقدم که بین جمهوری و سلطنت فرقی نیست" و در همین رابطه کسانی را که بر نظام پادشاهی اصرار دارند، "کاتولیک تراز پاپ" (۳) هم میخواند.

همانطور که ما قبلاً هم به این موضوع اشاره کردیم و در اینجا هم با وضوح شگرفی دیده میشود، صرف نظر از یک رشتہ عوامل فربیه های رضا پهلوی، حتی "وارث تاج و تخت ایران" هم اصراری بر سلطنت و احیاناً نظام سلطنتی ندارد. وقتی که نظام پادشاهی سیر طبیعی خودش را طی کرده باشد، بخوان توسط توده مردم به یک کشیده شده باشد، و مردم دیگر خواهان سلطنت نباشند، نوه رضاخان هم به یک جمهوری خالص و خشک و خالی رضایت می‌دهد و این استعداد را دارد تا خوش را با "نظام جمهوری" وفق بدهد! البته که وارث تاج و تخت پادشاهی در نوش و انعطاف‌نشست به شکل سیاسی سلطنه بورژوازی سلطنت طلب، همچون نمونه های تاریخی آن، قبل از هرچیز منافع طبقاتی کل طبقه سرمایه دارو تامین اقتصادی این طبقه را درنظر میگیرد و این حققت را نیز بگار دیگر بثبات میرساند که برای این طبقه، سلطنه اقتصادی به مفهوم همه چیز است و شکل سیاسی سلطنه، از اهمیت کمتری برخوردار است. وارث سلطنت نمغناطی اقتصادی هم این اختلاف را جلو چش آنها و طبقه آنها گذاشت؟ اما دسته دوم "جمهوری" طلبان که روی سخن ما اساساً آنها هستند تا سلطنه اقتصادی سرمایه، بنحوی بهتر، طولانی مدت ترواطمیان بخش تری تامین و تضییع شود. و برای تامین بهتر و طبیان بخش تر سلطنه اقتصادی سرمایه، کدام شکل حکومتی مناسب تر از جمهوری که تجارب تاریخی و منفعت اقتصادی هم این خشونت افزایش ثقل "جمهوری" داشته باشد؟

اما دسته دوم "جمهوری" طلبان که در عین آنکه هنوز از صراحت لهجه دراین زمینه بدورند ولي در اساس از همان آلترباتیو حکومتی دسته اول دفاع می‌کنند و برشك حکومت که جمهوری باشد، تاکید نموده اما در مورد مضمون این حکومت ظاهراً "سکوت اختیار می‌کنند! از جمله این نیزه‌ها سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران است که این هدف را منجمله از طریق امضاً پلاتفرمی با راه کارگر و حزب دمکرات کردستان ایران، تحت عنوان "قرارداد اتحاد عمل پایدار" (از این بعده عنوان "قرارداد" از آن یاد خواهیم کرد) تعقیب میکند و در پیش گرفتن سیاست دفاع از جمهوری و امتزاج با بورژوازی را، تحت عنوان مرز بندی در شکل سیاسی حکومت با سلطنت نیز توجیه میکند. این دوستان در توضیحات خود پیرامون جمهوری، که در دسته دوم "قرارداد" خود آورده‌اند، چنین قید کرده‌اند که از طریق تاکید بر "جمهوری" "عنوان "نظام جایگزین" (۱) در شکل، با سلطنت مرزبندی کرده‌اند!

ما در شماره ۳۲۴ نشریه کار فروردین ۷۸ و در همین ستون مباحثات، این ادعای تحریریه اتحاد کار را مورد نقد و بررسی قرارداده هم از جنبه نظری و هم درزمنیه عملی، نشان دادیم که "جمهوری" بخوبی خود نیز قبل از هر چیز به منافع و سلطنه اقتصادی خود می‌اندیشد و اگر جمهوری، این منافع را تضمین کند، به آسانی خود را با آن وفق می‌دهد. ما حتی در آن مقاله اشاره ای هم به سخنان برجی سخن از می‌کنیم که دیگر اصرار چنانچه این نظام پادشاهی کردیم که دیگر اصرار چنانچه این نظام سلطنتی در دارند و بعض این نظام را برای شرایط امروز جامعه ایران حتی نامناسب هم می‌دانند، این برعهده اینست، از آنجا که در همین فاصله، علاوه بر این تیمسارها و بسیاری دیگر از سلطنت طلب ها، شخص آفای رضا پهلوی "وارث تاج و تخت ایران" نیز سخنان بسیار صریحی در این زمینه برزیان آورده اند که صحت تحلیل ما از این موضوع را تائید میکند، و باز از آنجا که نقل بریده هایی از این سخنان برای کسانی که با تاکید بر جمهوری، به خیال خود با سلطنت طلبان مرزبندی کرده‌اند، میتواند هم آموزنده وهم به یک اعتبار افسلا کننده باشد، اشاره مختصر و بارهایی به این موضوع میکنیم و از آن میگیریم.

آقای رضا پهلوی در مصاحبه خود با یکی از ارادیوهای خارجی درمورد احیاناً سلطنت و یا احتمال استقراریک جمهوری در ایران و جایگاه خود در این میان بعنوان وارث تاج و تخت شاهنشاهی میگوید:

"هدف وارث تاج و تخت ایران، سلطنت نیست در ایران، برقراری آزادی است . . . مردم تصمیم میگیرند که رضا پهلوی آیا پادشاه آینده کشور خواهد شد، یا یک رئیس جمهور انتخاب بشود و باشون بره یک شهروند ساده ای مملکت باشد. . . شاید روزی هم بگویند رضا پهلوی بعنوان پادشاه نه، اما

تاکید بر شکل به قصد قربانی کردن مضمون است!

از اینها گذشته، نمیتوان از حکومت آلترباتیو و نظام جایگزین صحبت کرد، اما مضمون این حکومت را بحسب فراموشی سپرد . شکفت آور است نیروهایی که خود را چپ و انقلابی میدانند و داعوی سوسیالیستی و کمونیستی دارند، از بیان صریح مضمون جمهوری خود طفره می‌روند و سعی در لپوشانی آن دارند و در عین حال همان شکل را برای حکومت آینده پیشنهاد میکنند و بنیال استقرارش هستند که مضمونش تضمین کننده منافع تمام طبقه بورژوازی است و حتی نویه رضاخان را هم راضی می‌کنند!

البته سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، زمانی که هنوز تا به این درجه از خط مشی صحیح فاصله نگرفته بود، "صرف" به شکل حکومتی اکتفا نمیکرد و حتی کسانی را که چنین میکردند از دیدگاه خود مورد انتقاد هم قرارمی‌داد. مثلًاً وقتیکه سازمان اکثریت، حزب دمکراتیک مردم ایران و سازمان جمهوری خواهان ملی ایران، "منشور همکاری" خود را که "چارچوبی برای همکاری سایر سازمان ها، احزاب و شخصیت های جمهوریخواه" به حساب می‌آمد، انتشار دادند، تحریریه وقت اتحاد کار به این "منشور" و مقاد آن برخورد انتقامی کرد و یکی از موارد انتقاد اتحاد فدائیان خلق در آن زمان که البته مانع امضاء "منشور همکاری" می‌شد، همین موضوع جمهوری، اکتفا به جمهوری و شکل سیاسی حکومت و فراموشی مضمون این جمهوری بود. این رفاقت این موقع می‌نوشتند:

می دهد که با "انتخابات آزادانه اکثریت مردم ایران" استقرار می یابد و مردم هم "مسیر آینده جامعه" را "آزادانه" - البته در پارلمان بورژوازی و مجلس موسسان - "انتخاب" می کنند! (۶)

سئوال اساسی این است که اگر کارگران ایران در انتظار استحاله رژیم نشینند - که نمی نشینند - و بر سینه پارلمان بورژوازی هم دست رد بزنند که تجارت تاریخی هم همین انتخاب را جلو پای انها نهاده است و با قیام و درستگرهای خیابانی، رژیم کنونی را به زیر بکشند و ابتکار عمل را خود بدست گیرند و در همان واژه‌مان سنگرهای این پارلمان، جمهوری خود را اعلام کنند، موضع و پاسخ دولستان جمهوریخواه ما در برابر این جمهوری که مضموناً "دیگران جمهوری مورد نظر ایشان و دولستان نیست، چه خواهد بود و در برابر آن چه خواهد کرد؟ سلطنت طلبان جمهوری خواه شده، بورژوا لبیرالها و سایر جمهوری خواهان از این دست، همانطور که تجارب تاریخی هم نشان داده است، تردیدی در ایستان در برابر این جمهوری و سرکوب آن بخود خواهند کردند. اما آیا دولستان ما در ساختاً نیز بصف جمهوریخواهان بورژوا که از همین امروزه‌ام از طریق مواضعشان، کشش خود را به الحق به این صفت نشان داده اند، خواهند پیوست؟ که تحت عنوان اینکه جمهوری، تنها حق اکثریت مردم است و باید منتظر انتخابات آزاد و آراء مردم شد، حق کارگران را در اعلام جمهوری خود، انکار نموده و در برابر آن استداده اند؟

تجارب و نمونه‌های تاریخی در این مورد کم نیست. می دانیم که در انقلاب فوریه ۱۸۴۸ فرانسه، یعنی وقتی که تاج و تخت سلطنت بدست قیام کنندگان سرنگون شد و پرولتاریا پرپاریس مسلط شد، حکومت موقتی که برستگرهای فوریه پا گرفته بود و اکثریت آن در دست نمایندگان بورژوازی (۷) بود، به فوریت می خواست خودش را از شر کارگران خلاص کند و ابتکار عمل آنها که خواهان "جمهوری اجتماعی" بودند خلاص کند و نخستین اقدامش انکار همین حق کارگران بود، آنهم تحت عنوان دفاع از حق اکثریت مردم و آراء اکثریت و اینکه پرولتاریا باید پیروزی اش را به غصب آلوهه کند! مارکس در این مورد می نویسد:

"اگر پاریس به دلیل مرکزیت سیاسی اش بر فرانسه مسلط بود، کارگران نیز در لحظات پر اشوب اتفاق نداشت بر پاریس مسلط بودند. اولین ابراز وجود حکومت موقت این بود که کوشش نماید تا بوسیله فراخوانی از طرف پاریس سرمیست به فرانسه هوشیار، خود را از قید این نفوذ سه‌میکین رها سازد. لامارتن (۸) حق رزمندان سیگرها را به اعلام جمهوری، عنوان اینکه، این مستله تنها حق اکثریت مردم فرانسه است و باید منتظر نتیجه ارا شد و پرولتاریای پاریس نباید پیروزی اش را به غصب آلوهه نماید، منکرگش".
بورژوازی به پرولتاریا تنها اجازه یکنوع غصب میدهد: غصب مبارزه" (۹)
تجارب تاریخی براین حقیقت صحه می نهند که تمامی مدافعنی نظام بورژوازی از جمله جمهوریخواهان، ولو آنکه با شکل سیاسی حکومت نیز مخالفت هائی دارند، اما اساساً دری می‌منافع خود و جمهوری خود یعنی جمهوری پارلمانی اند. این جمهوری و مدافعنان آن به نیروی مبارزه کارگری و اظهار و وجود طبقه کارگر تا به آنچه نیاز دارند و آن را تحمل می کنند، که این نیرو را دستمایه براندازی رژیمی که با آن سر ناسازگاری دارند بنمایند و منافع خویش را تحکیم کنند. جمهوری طبلان بورژوا، نه فقط حق قیام کنندگان به برپائی جمهوری خود را از ریشه انکار می کنند و طبق معمول به بهانه جلوگیری از زور و خشونت با آن به مخالفت می پردازند، بلکه علیه آن به سرکوب خوبین نیز متولسل می شوند. همانطور که فرضایی در جمهوری فوریه، در فرانسه اتفاق افتاد. جمهوری خواهان خالص که در صوف اثناها به هر دلیلی اشاری از خرده بورژوازی و یا پرولتاریا هم وجود داشت، اما در هر حال فرآکسیون و قشرهای مختلف بورژوازی را نمایندگی می‌کردند، در اولین فرصت خود را از شر همراهان خویش خلاص کردند و بیویه در برابر پرولتاریا که به خود اجازه داده بود به نظام بورژوازی دست درازی کنند، به هارترین و خشن ترین سرکوب ها نیز روی اوردنده. (۱۰) هنوز ۵ ماه هم از فوریه نگذشتند بود، که ژنرال کاویتاک، یکی از سران جمهوری خواه که در همین جمهوری خلاص به وزارت جنگ رسیده بود، از طرف مجلس موسسان (این محبوب دولستان ما!) ماموریت یافت تا قیام کارگران را سرکوب کند و او نیز که رئیس قوه مجریه هم بود، قیام ثوئن کارگران را با نهایت قساوت و سفاکی بخون کشید! سلطنت سرنگون شده، شکل حکومت تغییر کرده و جمهوری آمده بود، جمهوری اما چیزی جزدیکاتوری خشن بورژوازی علیه کارگران نبود. و چنین بود که زادگاه جمهوری، کارگران پرولتاریا شد! طبقه کارگر ایران اما نیخواهد کورستان خود را، زادگاه جمهوری کند. در روی کارآمدن جمهوری اسلامی، یکارایین عمل اتفاق افتاده است. بورژوازی، از کیسه کارگران زیاد هزینه کرده است. طبقه کارگر نمی خواهد و می باید، جمهوری خود را بپرداخت کننده این هزینه ها باشد. کارگران ایران می خواهدن و می باید، جمهوری خود را بپرداخت کنند که در آن امکان استفاده از همه و هرگونه ابزاری که سرمایه برای تبدیل جمهوری به گورستان پرولتاریا از آن سود می جوید، سلب شود. بنابراین جمهوری به داریم تا جمهوری!

الف_ خود زاده
خرداد ۷۸

"از نظر ما، خواست جمهوری و دفاع از آزادیها، بطور کلی برای همکاری کافی نیست. مستله جمهوری را انقلاب بهمن برای همیشه حل کرده است. نفی رژیم سلطنتی مهترین دستاورده این انقلاب بوده است. اما آنچه که بنام جمهوری برقرارشده، نه ادامه‌ی آن انقلاب، بلکه درست در نقطه مقابل اهداف آن در راهی از حکومت خودکامه سلطنتی واحد استهای دیکتاتوری و استبدادی این بار در پوشش مذهب بود. بنا براین جمهوری خواه بودن خود بخود وجه شخص نیست. رژیم جمهوری اسلامی هم مدعی جمهوری است. محتوى و مضمون این جمهوری است که حائز اهمیت و تعیین کننده است" (۱۱)

بنابراین در بحث نظام جایگزین و حکومت آلتراستیو، شکل نه، مضمون این حکومت است که اهمیت اساسی و تعیین کننده دارد. ۲۰ سال قبل که تولد های کارگر و زحمتکش سرگرم انهدام نظام سلطنتی بودند، طرح شعار جمهوری، در آن لحظه تاریخی شاید شعاری موقعي نمی‌بود و معنی میداشت، امروز اما که همین مردم مže جمهوری و لو از نوع اسلامی اش را چشیده و تا عمق جان آن را لمس کرده اند، این مقوله کهنه شده و مرده ای بیش نیست و فقط می تواند گذشته ها را نمایندگی کند و نه آینده را. این که چرا ساختاً امروز حتی ازحرقهای دوسران خود هم کوتاه می‌آید و صرفما" به شکل حکومت جایگزین یعنی جمهوری، اکتفا می‌کند و در واقع مدرست کم از این لحظه به مواضع "منشورهای اکثریت، جمهوریخواهان ملی و حزب دمکراتیک ملی ایران رجعت می کند، موضوعی است که فقط با چرخش ها و راست روپهای این سازمان در چند سال اخیر بویژه بعد از روی کار آمدن خاتمه قابل توضیح است که تغییر شکل این رژیم و تبدیل جمهوری اسلامی به جمهوری، نه بکار کارگران می آید و نه تامین کنند اینکه سایر اقشار زحمتکش می تواند خواست آنان نیست و فقط کارگران که رضا پهلوی هم آن را می پنداشد. طبقه کارگر ایران به تجربه دریافت است که بدون ایجاد یک تحول بنیادی که ساختار سیاسی حکومتی را از زیرش دگرگون کند و کارگران را برسنوشت خود حاکم گردان، هیچ مفصلی از بیشمار مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و سایر اقشار زحمتکش حل خواهد شد. در حالی که کارگران می خواهند از شر آقابالاسر خلاص و خود بر سرنوشت خوش حاکم شوند و در پی ایجاد نظامی هستند که هرچه فوری تر و هرچه کاملتر، امکان کیستن زنجیرهای ارساری را که بورژوازی بردست و پای خود بوده‌اند. درد کارگران تغییر شکل حاکم برایان و حفظ مضمون آن نیست، چیزی که رضا پهلوی هم آن را می پنداشد. طبقه کارگر ایران به تجربه دریافت است که بدون ایجاد یک تحول بنیادی که ساختار سیاسی اسارت برداشت و تبدیل جمهوری اسلامی را برسنوشت خود حاکم گردان، عده‌ای که کاه با نام کارگر هم صحبت می کنند و ادعای دفاع از حقوق و منافع کارگرهم دارند همه تلاشان این است که مسئله را در یک تغییر شکل و تعویض القاب و الیس جمهوری اسلامی با القاب و الیس جمهوری خلاصه کنند تا سرنوشت کارگران و اداره امور جامعه همچنان در دست بورژواها و طبقات ممتاز جامعه باقی بماند. این در حالیست که مقدم ترین هدف نیروهای کمونیستی و مدافعنی طبقه کارگر در جریان تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی، تعیین تکلیف با مضمون این حکومت است که باستی خودش را در نوع جدید حکومت جایگزین متجلی سازد.

دوستان ما در "قرارداد" خود می نویسند می خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون و بجالی آن جمهوری را مستقر سازند و توضیح هم می دهند که مقصود فقط تاکید بر تغییر شکل حکومت است. حال دیگر در این جمهوری تکلیف ارکانهای بوروکراتیک موجود، ارتش منظم، سپاه پاسداران، زندانها و دستگاه قضائی و امثال آن چه می شود؟ برسر قدرت سیاسی و سلطه بورژوازی چه می آید؟ طبقه کارگر در کجا این جمهوری ایجاد می‌کند و امور کشور چگونه اداره می‌شود؟ این ها ستوالاتی است که امضا کنندگان "قرارداد" و توضیح دهنگان مفادان، خودرا درگیر آن نمی کنند و سعی دارند از پاسخ به آن روی برداشند. آنان با محدودیت دید عجیب خود را سرگرم شکل گرایی می‌کنند و صرفما" در مدار شکل حکومتی می چرخدن، تا مضمون بورژوازی نظامی پیشنهادی خودرا مسکوت بگذارند. البته هر کسی با موضع امضاء کنندگان "قرارداد" اشتباهی اندکی هم داشته باشد، این موضوع را هم خوب بینایند که در جمهوری مورد نظر ایشان یعنی جمهوری پارلمانی که انواع بورژواهای ریز و درست هم در صدد ایجاد آن هستند، ارکانهای بوروکراتیک نظامی موجود اساساً دست خورده باقی می‌مانند، مقامات دولتی میان عالی رتبگان فقیم و جدید تقسیم می شود. سرنوشت کارگران در مجلس بورژواها سلطه بورژوازی رقم میخورد، قدرت سیاسی همچنان در دست طبقات دارا محفوظ میماند، سلطه بورژوازی ایقاً می‌شود و در یک کلام نظم موجود پابرجا و زنجیرهای اسارت و بردگی برداشت و پای کارگران باقی میمانند!

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، بجائی پرداختن صریح و بی ابهام به مواردی که از جمله درسئوالات فوق هم انکاس یافته است، که البته در آن صورت اعتراضی است به آنچه ما فوغا" بدان اشاره کردیم، دائماً از انتخابات آزادانه و آراء مردم دم میزند و به کارگران و عده نظام جمهوری

قبل کارکارگران همچنان بخورند و بجرند، شرایط موجود را حفظ کنند و به طفیلی گزین خویش ادامه دهند!

به راستی مذهب و روحا نیت، نقش خودرا در دفاع از طبقات دارا و مناسبات استثماری هیچ گاه تا بدین حد آشکار و عیان و در این ابعاد، در معرض دید کارگران قرار نداده بود.

پنج کارگر در اثر انفجار

کپسول اکسیژن کشته و زخمی شدند
در یک کارگاه صنایع فلزی واقع در خیابان شاه آباد تهران، زمانی که کارگران مشغول به کار بودند، کپسول اکسیژن منفجر شد که در اثر آن یک کارگر جوشکار بنام غلامرضا محمدی که در سال داشت، جان خود را از دست داد و چهار تن دیگر از کارگران این کارخانه نیز بشدت مجرح شدند.

کارگر ۲۸ ساله‌ای بنام یوسف که در محل جنت آباد و در داخل یک ساختمان نیمه تمام مشغول بکاربود، براثر ریزش دیوار، زیر خروارها خاک مدفعون شد و جان خود را از دست داد.

یک کارگر مقنی افغانی که در عمق ۲۵ متری چاه واقع در اطراف میدان سپاه مشغول بکار بود، بر اثر ریزش دیوار چاه زیر خروارها خاک مدفعون شد. تلاش دو کارگردیگر برای نجات جان وی به نتیجه نرسید و این کارگر افغان بنام نجیب الله حاجی لاهوری که فقط ۲۳ سال داشت جان خود را از دست داد.

۲۷ درصد نرخ بیکاری در کرمانشاه

یکی از مسئولین سازمان برق ایران و بودجه استان کرمانشاه پیش بینی کرد که نرخ بیکاری استان در سال ۷۶ استان کرمانشاه با ۲۱/۵۲ درصد دو مین استان کشور از لحاظ رشد بیکاری شناخته شد و استان لرستان با ۲۴/۴۲ درصد مقام اول بیکاری را داشته است. این در حالی است که روزنامه کار و کارگر هم مینویسد استان کرمانشا در سال یاد شده با ۲۴/۱ درصد نرخ رشد بیکاری مقام اول را داشته است!

۷۰ درصد کارگاههای بوشهر راکند
مسئول جهاد سازندگی بوشهر اعلام کرد که ۷۰ درصد کارگاههای فرشابافی بوشهر راکند هستند. او گفت از ۵ هزار و ۴۹۹ کارگاه تولیدی فرش با اشتغال ۸ هزار و ۲۹۹ نفر در این استان، فقط ۳۰ درصد این کارگاهها با اشتغال ۲ هزار و ۴۷۵ نفر فعال و مبتنی راکند است.

دو خبر کوتاه

سازمان تامین اجتماعی طی ابلاغ بخشنامه ای به شعبات این سازمان در سراسر کشور، اعلام کرد که مقری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی از اول سال ۷۸ پرداخت نشود.

همچنین بحث هائی نیز در مورد ادغام سازمان تامین اجتماعی و خدمات درمانی وجود دارد که این هردو موضوع مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفته است.

افزایش بهای نان

بهای کالاهای خدمتی مورد نیاز مردم پی در پی افزایش می‌باید. در پی افزایش سرسام اور بهای کالاهای مختلف در سه ماه گذشته، و نیز افزایش همچنان کارکند و بیشتر کارکند تا آنان بتوانند از

اخبار از ایران

دستگیر نمودند که از سرنوشت آنها اطلاعی درست نیست.

تشکلات "خانه کارگر" ، تشکلات کارفرمایی !

روزنامه کار و کارگر اعلام کرد که اخیراً "کانون عالی مدیران و کارفرمایان واحدی ایجاد شده است"! طبق توضیحات این روزنامه، هدف این کانون آن است که به "کلیه انجمنهای صنعتی کارفرمایی انسجام بیخشد" این روزنامه همچنین توضیح داده است که "اضطراری هیئت موسس کانون عالی مدیران، در عین حال مبارزت به تأسیس سازمان مدیران حزب اسلامی کارشناسیات خانه کارگر نموده اند" یکی از مدیران درخصوص این سازمان جدید التاسیس وابسته به تشکلات خانه کارگر میگوید "برداشت نادرستی از حزب اسلامی کار و خانه کارگر وجود دارد این است که برخی تصور می‌کنند که این حزب و تشکلات فقط حامی کارگران هستند و در جهت تامین منافع این قشر تلاش می‌کنند در حالی که سازمان مدیران حزب اسلامی کار که به تقاضای مسئولین حزب تشکیل شده، به پیشرفت تولید کارخانه، کاهش مواد و مشکلات تولید و شکوفایی صنعت می‌اندیشد به نوعی که سازمان مدیران حزب اسلامی کار، ارتباط مدیران و جامعه کارگری را انسجام خواهد بخشید تا هردو قشر در کار یکدیگر بطور جدی برای اعتلاء صنعت بکوشند!" به این ترتیب ماهیت ارجاعی خانه کارگر و حزب اسلامی کارش از قبل هم روشن تر می‌شود. تشکلات خانه کارگر و حزب اسلامی کار آن، که پیش از این کوشیده است با ایجاد مانع برسر راه مبارزه کارگری و انتراف این مبارزه، به کارفرمایان و سرمایه داران خدمت کند، اکنون پرده هارا تمام‌آ کنار زده و با ایجاد "سازمان مدیران حزب اسلامی کار" و کوشش به انسجام این جمیع های صنعتی کارفرمایی، دفاع مستقیم تری از منافع سرمایه داران و کارفرمایان را وجهه همت خود قرارداده است.

ائمه جماعات و ایزار

سرکوب فرهنگی در کارخانه ها
اولين گردهمائي ائمه جماعات کارخانجات توليدی منطقه کرج با حضور طاهائي معاونت اداري و مالي وزارت کار آخوند شهسواری دوستگار فرهنگی اين وزارتخانه برگزار گردید. در اين مراسم، روحاني مدیرکارکرج از نقش امامان جمعه در کارخانه ها و اقامه نماز بمنظور "مصون نمودن کارگران" تعریف و قدردانی کرد. او گفت درحال حاضر در بالغ بر ۱۷۰ واحد تولیدي ستداهاي نماز جمعه مشغول بکارند که در آينده نزديک بطور چشم گيري افزایش خواهد یافت. آخوند شهسواری نيز در سخنانی "راه کارهای کمک گرفتن از ائمه جماعات جهت افزایش بهره وري و ارتقاء فرهنگ کار را" از رئوس برنامه اين نوع نشست ها خواند و طاهائي معاون امور اداري و مالي وزارت کار گفت "درصد هستيم با پيگيردي هاي جدي در واحدهای توليدي بالاي ۲۰ نفر شاهد برگزاری نماز جماعت باشيم"! ائمه جماعات، اين ائمه کارگاه را تمام معنی، با همدمتی سایر همدينان خود درستگاه حکومتی، از کارگران می خواهند همچنان کارکند و بیشتر کارکند تا آنان بتوانند از

اعتراض کارگران شرکت فرش
یکصد و پنجاه تن از کارگران شرکت فرش اریان ابهر، با امضاء طوماري نسبت به نحوه محاسبه عيادي و پاداش خود اعتراض نموده و خواستار پرداخت ما به التفاوت عيادي و پاداش سال ۷۸ شدند. قابل ذکر است که کارفرمایی این شرکت در صدای عيادي و پاداش کارگران را بعنوان مالیات کسر نموده و به آنان نبرداخته است و کارگران خواهان رسیدگی به این مستله و پرداخت کامل عيادي و پاداش خود شدند.

اعتراض کارگران اخراجی

کارگران اخراجی ارومیه، با ارسال يك نامه اعتراضي به مطبوعات، خواهان پرداخت حق بيمه بيکاري شدند. کارگران متعارض در نامه خود از جمله نوشته اند "ما کارگران اخراجی سال ۷۸ شهرستان ارومیه، از مسئولین دست اند کار تقاضا داريم نسبت به پرداخت حق بيمه بيکاري ما اقدام نمایند"

اعتراض کارگران شهرداري

دهها تن از کارگران شهرداري آبادان، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق خویش، دست از کار کشیدند. کارگران اعتراضي، سپس با برپايش يك تجمع اعتراضي در برابر ساختمان فرماندار اين اين شهرستان، خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند و بعد از آنکه از سوی مسئولین قول مساعد و رسیدگي به کارگران داده شد، به تجمع خود پايان دادند.

اعتراض کارگران شرك صنعتي صاف

کارگران شرکت صنعتي صاف ساوه، با ارسال يك نامه پاداشت اعتراضي به مطبوعات، خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. کارگران در نامه خود از جمله نوشته اند "در سال جديده که حدود سه ماه از آن ميگذرد، هنوز حقوق دریافت نکرده ايم". کارگران با ذكر اين موضوع که عموماً مستاجر هستند و بايد کرایه خانه پردازند ولى کارفرمای اين مسائل را در راه رفاقت نمیگيرد و هرماهه جزو عده و عيد چيزی با آنان نداده است، خواستار حقوقهای معوقه و رسیدگي به مشكلات خود شدند.

تظاهرات قهرآمیز زحمتکشان شهرک خاتون آباد پاکدشت

روز شنبه ۲۲ خرداد، اهالي زحمتکش ساكن شهرک خاتون آباد پاکدشت، دست به تظاهرات عليه رژيم و مقامات حکومتی زدند. نیروهای نظامي رژيم، مردم را مورد حمله و سرکوب قرار دادند. اين اقدام سرکوبگرانه نیروهای دولتي خشم مردم را شعله و رترساخت. تظاهرات شکلي قهرآمیز بخود گرفت. مردم با نیروهای سرکوب درگير شدند و تعدادي از مراكز دولتي از جمله شهرداري و چندين بانک را دردهم کوبيدين. تظاهرات شهربک خاتون آباد در پي كشته شدن يك کوک ۶ ساله آغاز گردید که علت آن عدم وجود پل هوائي عابر پياده و امكانات اينمي در مسیر تصادف بود. تاکتون چندين حادثه از اين نوع در همین نقطه رخ داده بود و مسئولين دولتي هميشه وعده ايجاد پل و دیگر امكانات اينمي را داده بودند اما هيچگاه بدان عمل نکرden. اهالي زحمتکش اند که از حداقل امكانات رفاهي کارگر و زحمتکش اند که از اين شهرک بعيه مي باشند. آنها باين تظاهرات در حقیقت اعتراض خود را به نظم موجود ابراز نداشتند. نیروهای نظامي و امنيتی رژيم تعداد زیادي از مردم اين شهرک را

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر)

ارسال نامه به مطبوعات، مسئولین و مراکز دولتی بود. بررسی ما نشان می دهد که بخش زیادی از تجمعات اعتراضی کارگری در سال گذشته و نیز بخش زیادتر از نامه های اعتراضی، مربوط به همین بخش از کارگران، یعنی کارگرانی که در معرض اخراج قرار گرفته بودند و یا آن دسته از کارگرانی که اخراج و بیکاری آنها قطعی شده بود، میباشد. به این ترتیب که حدود ۱۹ مورد از مجموع ۵۳ حرکت اعتراضی کارگری در شکل برقائی تجمع اعتراضی (معادل ۲۵ درصد) و ۱۵ مورد از مجموع ۳۵ مورد نامه های اعتراضی (حدود ۴۳ درصد)، مربوط به همین بخش از کارگران ایران بوده است.

مطالباتی که این بخش از کارگران، چه در تجمعات و چه در نامه های اعتراضی خود مطرح کرده اند، همانطور که در جدول شماره (۲) هم انعکاس یافته است، اساساً بازتاب دهنده وضعیت و موقعیت خاص این کارگران است. بررسی ما در این زمینه نشانگر آن است که سوای پرداخت دستمزد های معوقه که عمدتاً توسط کارگران در معرض اخراج ویا واحدهای تازه تعطیل شده، مطرح شده است، مطالبات کارگران اساساً شامل امنیت شغلی (۱۶ مورد) باز گشت به کار (۱۵ مورد) ادامه کاری واحد تولیدی (۱۱ مورد) لغو اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) (۷ مورد) و حق بیمه بیکاری (۳ مور) می شده است. مطالبات کارگران در تمامی این موارد به غیر از ۳ مورد حق بیمه بیکاری که می تواند نشانه قطع امید کارگران از ادامه کار در واحد قبلی باشد، ناظر بر این مسئله است که کارگران، اخراج و بیکاری خود را پذیرفتند و کماکان خواهان ادامه کار قبلی خود هستند.

در زمینه بیکاران و حرکت های اعتراضی آنان نیز باید گفت اگر چه در اینجا هم حرکات و اعتراضاتی صورت گرفتند، اما قابل قیاس با بخش پیشین نیست و بسیار محدود بوده است. با این وجود حرکت های اعتراضی بیکاران نیز نشان دهنده آن است که بیکاران هم برای گرفتن حق و حقوق خود کم کم دارند وارد میدان مبارزه می شوند. از مهم ترین حرکت های اعتراضی بیکاران میتوان تجمع اعتراضی بیکاران دزفول در برابر اداره کار این شهر یاد نمود. بیکاران که خواهان کار و اشتغال شده بودند وقتی که پاسخ مساعدی شنیدند، به برخی از تاسیسات اداره مذکور حمله بردند و شیشه های در و پنجره آن را نیز شکستند. در اندیمشک، شوستر و کاشان نیز حرکت های اعتراضی تقریباً مشابهی صورت گرفت. در این حرکات اعتراضی، بیکاران خواستار کار ویا حق بیمه بیکاری شدند. معهدها حرکت های اعتراضی بیکاران تقریباً در همین محدوده خلاصه شده است، نه به این دلیل که بیکاران به وضعیت موجود اعتراضی ندارند که اتفاقاً "شیدیداً" هم معتبر است، اما بسان انبار باروتی قابل انفجار، عجالاتاً "خاموش اند"!

یک جمعبندی کوتاه

طبقه کارگر ایران در سال گذشته با یکی از دشوار ترین سالهای حیات خویش روپرورد. تعریض همه جانبی سرمایه داران، کارگران ایران را از همه سو و قل از همه ازنایحه اقتصادی و تامین معاش، تحت فشارهای شدید و کمرشکنی قرار داد. بیکار سازهای وسیع و اخراج ها، اثرات بلا واسطه ای بر جنبش کارگری بر جای گذاشت به نحوی که

آهن اصفهان (کوره بلند)، تحصن کارگران چیت سازی ساری در مهرماه با خواست پرداخت حقوق های معوقه، تحصن ۱۵۰ کارگر اخراجی شرکت ماشین های زاینده رود در سازمان آب منطقه ای اصفهان برای بازگشت به کار و تحصن کارگران اداره کل راه قدس مهاباد در محل مسجد این اداره با خواست پرداخت حقوق های معوقه و تضمین شغلی نام برد. از مجموعه حرکتها اعتراضی کارگری کمتر از ۷ درصد به تحصن اختصاص یافته است. از جمله راه پیمایی ها و تظاهرات مهم کارگری در سال گذشته نیز، بعد از تظاهرات و راه پیمایی با شکوه ۲۰۰۰ تن از کارگران کاشان دری ماه و در اعتراض به واگذاری بیمارستان تامین اجتماعی می توان به راه پیمایی و تظاهرات صدها تن از کارگران پروژه ای راه پیمایی و افزایش دستمزد، خواست استخدام رسمی و افزایش دستمزد، تظاهرات کارگران کارخانه پرسان رشت وابسته به صنایع نظامی در تبریز، که کارگران ابتدا در محوطه کارخانه تجمع نموده و دست به تظاهرات زدند و سپس با انجام راه پیمایی و آتش زدن لاستیک، اقدام به ایجاد راه بندان در جاده فومن کردند. خواست کارگران پرداخت حقوقهای معوقه، پادشاه آخرسال و ادامه کاری کارخانه بود. در این حرکت اعتراضی کارگران تهدید کردند چنانچه به خواست آنها رسیدگی نشود، خود را آتش خواهند زد، و بالاخره راه پیمایی نزدیک به ۵۰۰ تن از کارگران پارچه بافی نخکاربا خواست حقوق های معوقه و ادامه کاری کارخانه نام برد. این شکل مبارزه نیز اگر چه از یک سو بازتاب دهنده درجه فشار بر کارگران است و اساساً واکنشی است در برابر تهاجمات کار فرمایان و سرمایه داران، اما در عین حال به عنای خیابانی شدن مبارزه بخش هایی از کارگران هم هست. معهدهای این شکل مبارزه در مقایسه با سایر اشکال، رقم ناچیزی را تشکیل میدهد و از مجموعه حرکت های اعتراضی کارگری تنها ۵ درصد را به خود اختصاص می دهد. اکنون که عدهه ترین اشکال مبارزه کارگری و نیز اهم عمومی ترین مطالبات کارگران را از نظر گذراندیم، قبل از آنکه به جمع بینی جنبش کارگری در سال ۷۷ بپردازیم لازم است که چند کلمه ای هم راجع به حرکت های اعتراضی بیکاران و بیکاران شدگان صحبت کنیم.

جنبش اعتراضی کارگران بیکار شده و کارگران در معرض اخراج

همانطور که پیش از این نیز به این موضوع اشاره کرده ایم، در جریان اخراج شرکت ها و توقف کارخانه ها و نیز تق و لوک شدن برخی دیگر از موسسات تولیدی، انبوه عظیمی از کارگران از کارگران بیکار شدند و انبوه عظیم دیگری از کارگران بلا تکلیف شده و در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفتند. در برابر این فشارو تهاجم سرمایه داران، کارگران بلا فاصله از خود واکنش نشان داده و با شور و حرارت به مبارزه علیه کارفرمایان برخاستند. این بخش از کارگران در مبارزه خود برای دفع حملات و حفظ موقعیت های پیشین، اگرچه از اشکال مختلف مبارزه کارگری نظری، راه پیمایی و تظاهرات استفاده کرده و گاه دست به تحصن زدند، اما عدهه ترین شکل مبارزاتی آنان دروغله اول برپائی تجمعات اعتراضی در برابر کارخانه و مراکز دولتی و در مرحله بعدی امضای طومار و

از دست دادن کار، توقيف، زندان، اخراج و آوارگی کارگران همراه بوده است. سوماً "کارگران از هرگونه تشکیلات حمایت کننده ای نظیر اتحادیه و تشکل مستقل کارگری محروم بوده اند و حتی صندوق انتساب هم بعنوان یک رسم و سنت جا افتاده کارگری، هنوز در ایران رایج شده است و چهارم این که کارفرمایان و دولت که می دانند اعتضاب درجه آگاهی کارگران را بالا میبرد چشم و گوش کارگران را باز میکند و به همین دلیل هم بشدت از آن میترسند، نه فقط از طریق ارگان های وابسته و نهادهای پلیسی - جاسوسی خود درامر اعتضاب و شکل گیری آن اخلال و خرابکاری میکند تا جلو آنرا بگیرند، بلکه علیه اعتضاب و اعتسابیون و برای قلم و قمع آنها، به خشن ترین شیوه های قهوه و سرکوب نیز متول میشوند.

اما جنبه دیگر اهمیت اعتضابات کارگری، در خود اعتضابات و جنبه های آموزشی این شکل مبارزه کارگری نهفته است. وقتی که کارگران از کار امتناع میکنند، ماشین های تمام از کار میایستند. اعتضاب قبل از هر چیز نیروی جمعی کارگران را به خود کارگران نشان میشانند. کارفرمایان و سرمایه داران که عموماً سعی میکنند خود را "خیرخواه" کارگران نشان دهند و واپستانگان به دولت و نوکران ریزودرشت آنها نیز کوشش میکنند که به کارگران اطیبان بدهند که نظام اسلامی و "دولت خدمتگزار" خاتمی، آنطور که "عدالت اجتماعی" و "حرمت انسانی" اقتضا می کند در فکر کارگران هستند، هنگام اعتضاب، ماهیت خود را بهتر و روشن تر در معرض دید کارگران قرار می دهند.

اعتضاب پای همه را به وسط می کشد. حراست، سپاه، ارتش، شورا و انجمن اسلامی، امام جمعه، دادگاه و همه و همه که در برابر کارگران می ایستند، به کارگران این امکان را می دهند که در جریان اعتضاب، بدترین دشمنان خود و نیز مردین، عناصر واپسته به دولت و کارگران را بشناسند. اعتضاب به کارگران می خواهد که فقط راجع به کارفرمای خود و همکاران خودشان فکر نکنند بلکه به تمام کارگران و تمام کارفرمایان بیاندیشند! اعتضاب به کارگران می آموزد که اگر مخدود باشند، میتوانند علیه سرمایه داران و برای تحقق مطالبات خویش، به مبارزه موثری دست بزنند. اعتضاب چشم کارگران را نه فقط بر ماهیت سرمایه داران بلکه بر ماهیت دولت و قوانین آن نیز بیش از پیش باز می کند و به آنان می آموزد که به مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه طبقه سرمایه دار فکر نکند! آری اعتضاب از این جنبه ها - و جنبه های دیگری - نقشی اساسی در مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و دولت آنها ایفا کرده و میکند. آخر مگرنه اینکه "اعتضاب مکتب جنگ" است و "در پس هر اعتضاب اژدهای انقلاب خواهید است"؟

تحصن، راه پیمایی و تظاهرات:

تحصن، راه پیمایی و تظاهرات، از دیگر اشکال مبارزه کارگران در سال گذشته بوده است. کارگران در مبارزه و روپاروئی خود با کارفرمایان و سرمایه داران، این اشکال مبارزه را نیز بکار گرفته اند هرچند که عموماً آن را با شکل های دیگری و بویژه با تجمعات اعتراضی و اعتضاب ترکیب نموده اند. از جمله مهم ترین تحصن های کارگری میتوان به تحصن خردآماده کارگران ذوب



توطنه دیگری برای مختومه اعلام کردن پرونده قتل‌ها

رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح حکومت اسلامی، صبح امروز یکشنبه ۲۰ خداداد دریک مصاحبه مطبوعاتی، اسامی چهارتن از عاملان قتل‌های اخیر بنام‌های مصطفی کاظمی، مهرداد عالیاخانی، خسرو برانت و سعید امامی را اعلام نمود. اما هدف اصلی وی از مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی این بود که اعلام کند سعید امامی که به گفته وی «یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل‌ها» بوده است. «روز شنبه به موقع استحمام در بازداشتگاه با خودن داروی نظافت (موری) خودکشی کرد.» اعلام این خبر از سوی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم، بیانگر این واقعیت است که رژیم تلاش دیگری را برای سریوش کاردن برجنایات خود و مختومه اعلام کردن قتل‌های زنجیره‌ای اخیر آغاز کرده است. اسامی اعلام شده نشان میدهد که از تصمیم گیرندگان اصلی ماجرا یعنی سران رژیم، که در واقع آنها فرمان تقتل‌ها را صادر کرده اند خبری نیست. این خود قلابی بودن تمام ادعاهای رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم راشان میدهد. اما مسئله دیگر این است که برای مختومه اعلام کردن تمام قضیه، گفته میشود که سعید امامی نامی که «یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل‌ها» بوده است، گویا روز گذشته خودکشی کرده است. پس تمام ماجرا به اینجا ختم خواهد شد که فردی «خودسر» به نام «سعید امامی» عامل اصلی قتل‌ها بوده است که او هم در زندان خودکشی کرده است.

رژیم با این شعبدی بازیهای خود نمی‌تواند مردم ایران را فریب دهد. مردم ایران سیدانند که تمام ادعاهای سران رژیم و دستگاههای اطلاعاتی و قضائی آن دروغ محض است. مردم این دروغ‌ها را بار نیکنند و به مبارزه خود علیه رژیم و جنایات آن ادامه میدهند.

سونگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۸/۳/۳۰

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

بعثت تراکم مطالب ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

در شماره آینده منتشر میشود

جدید چاپ ، هزاران کارگر صنعت چاپ از کار اخراج خواهند شد.

افزایش بیکاری در آمریکا

علیرغم تبلیغات عوام‌گردانه دول سرمایه داری حول کاهش نرخ بیکاری طی ماههای گذشته، آمار منتشره حاکی از افزایش نرخ بیکاری در آمریکا است. براساس این آمار، بیکاری در آمریکا طی دو ماهه گذشته از ۲/۹ درصد به ۴/۶ درصد افزایش یافته است.

اعتراض کارگران و کارکنان

خدمات توریستی در اسپانیا و ویتنام در آستانه فصل تابستان و تعطیلات، دهها هزار تن از کارگران و کارکنان بخش توریسم در اسپانیا و ویتنام با خواست افزایش مستمزد و بهبود شرایط کار داشت از کار کشیدند . در این دو کشور که از مراکز مهم جهانگردی است، در فصل تابستان بر فشار کارگران افزوده میشود بدون آن که افزایشی در مستمزدها حاصل گردد.

در ویتنام علاوه بر کارکنان مسافرخانه ها، هتلها و رستورانها، کارکنان خط هوایپامائی این کشور «المپیا» اعلام کردند در نیمه اول ژوئیه دست به اعتراض خواهند زد. در اسپانیا، از روز ۴ ژوئیه کارگران و کارکنان هتلها و غذا خوریهای جنوب این کشور دست از کار کشیدند.

گسترش اعتراضات و

اعتراضات در اندونزی

میازرات کارگران و دانشجویان دانشگاه اندونزی که از هنگام روی کار آمدن جیبی همواره در جریان بوده است، در اواخر ژوئن سال جاری گسترش یافت. در جاکارتا و سایر شهرها و جزایر این کشور موجی از تظاهرات برآ افتاد.

در جاکارتا اعتراض کارگران با حمایت دانشجویان تمام شد و دهها هزار تن در ۲۸ ژوئیه در خیابانها به راه پیمایی پرداختند. در جریان این تظاهرات که با حمله وحشیانه پلیس تمام بود، صدها تن زخمی و چند تن کشته شدند.

اعتراضات اخیر در اعتراض به افزایش فقر و بیکاری و همچنین وعده های توخالی است که جیبی داده است . بعد از سقوط سوپهارتو ، جیبی که یکی از مهره های دیکتاتوری سابق اندونزی بود به قدرت خزید. از آن هنگام تا کنون نه تنها بهبودی در وضعیت توده های مردم حاصل نشد بلکه برداخت فقر و بیکاری و سرکوب افزوده شده است.

پیرامون "انتخابات" در کویت

روز ۳ ژوئیه، در نهین دور "انتخابات" مجلس "امت" کویت، ۱۱۲ هزار و ۸۸۲ مرد کویتی دارای حق رای به پای صندوقهای رای رفتند تا از میان ۲۸۸ نامزد مرد شرکت کننده درین کارزار، ۵ تن را برگزینند.

سخنگوی پارلمان فعلی کویت در پاسخ به این سؤال که زمان حق رای خواهد داشت، گفت : چنانچه در مجلس آقی دو سوم نمایندگان تصمیم براین امر بگیرند، زمان مجاز خواهد بود انتخاب کنند.

در حال حاضر زنان و کارگران خارجی که سالیان دراز در کویت به کار اشتغال دارند از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم‌اند.



اعتراض کارگری در آرژانتین علیه بیکاری و فقر در این کشور

روز ۲۸ ژوئن همزمان با برگزاری اجلاس مشترک سران کشورهای آمریکای لاتین و اروپا، به دعوت اتحادیه های کارگری در آرژانتین، دهها هزار تن در "ریودویانٹرو" در اعتراض به سیاستهای اقتصادی این دول دست از کار کشیدند.

اعتصابیون ضمن راهپیمایی در مرکز اصلی شهر، مقابل محل تجمع سران، گردهامه و به تظاهرات پرداختند. نظاهر کنندگان ضمن محکوم کردن اخراج های وسیع، بیکاری و فقر روز افزون خواهان ایجاد اشتغال و مهارگرانی شدند.

در جریان این حرکت که از سوی پلیس، "غیرقانونی" اعلام شده بود، نیروهای پلیس ضد شورش و حشیانه اعتضابیون را مورد حمله قراردادند که در نتیجه آن دهها تن زخمی شدند.

اعتراض کارگران نقاش ساختمان در هلند با موقعیت پایان یافت

قربی به ۳۵ هزار کارگر نقاش ساختمان از روز ۲۱ ژوئیه به منظور دریافت ۷ درصد اضافه مستمزد اعلام اعتراض کردند. آنها همچنین اعلام کردند که اعتراض از نقاط مختلف کشور آغاز و سرانجام سراسر هلند را فرا خواهد گرفت . اولین گروه اعتضابیون که شامل ۱۵۰۰ کارگر بودند، در نخستین روز دست از کار کشیدند.

طی روزهای بعد، در شهرهای مختلف ، کارگران نقاش به اعتراض پیوستند. سرانجام در دهین روز اعتراض هنگامی که بیش از ۲۰ هزار کارگر در اعتضاب شرکت کرده بودند، دولت هلند مجبور به عقب نشینی شد و به خواست اعتضابیون بالاجبار تن داد.

لازم به ذکر است که کارفرمایان از ابتدا طرح پرداخت مبلغی حدود ۲۵۰ فلورن را عالم کرده بودند تا بدینوسیله راه فراری بیایند. اما اراده کارگران و پیگیری آنها در جریان مبارزات فوق، نشان داد که آنان با اراده واحد موفق به کسب خواست خود شدند.

اعتراض یک روزه کارگران چاپ در ایتالیا

طی یک حرکت متعدد و سراسری ، کارگران چاپ در ایتالیا، روز ۳ ژوئیه در اعتراض به خطر اخراج کارگران این رشته، دست از کار کشیدند . این اعتضاب وسیع و سازمان یافته که به دعوت اتحادیه های کارگری فراخوانده شده بود موجب شد که طی این روز هیچگونه روزنامه ای منتشر نگردد. اعتضاب فوق اعتراض به خطوطی است که کارگران شاغل در صنعت چاپ ایتالیا را تهدید میکند. از چندی پیش کارفرمایان به کارگران اعلام کرده بودند که با بکار گیری تکنیک و روشهای

زنده باد سوسیالیسم

جدول شماره (۳) حرکت‌های اعتراضی و تنوع مطالبات کارگری در واحدهای تولیدی مختلف

شماره	نام کارخانه و شهر	تاریخ اعتراض	شكل اعتراض	مطالبات
۱	کارخانه خانه سازی کرمان	فروردين	ارسال نامه به روزنامه ها	بن کارگری + پرداخت دیون تامین اجتماعی + پرداخت به موقع دستمزدها
۲	شرکت شفابورد تالش	فروردين	تجمع اعتراضی	اجری آئین نامه استخادی و طرح طبقه بنی مشاغل
۳	شرکت نوپان کارون شوشتر	فروردين	اعتصاب	اجرای طرح طبقه بنی مشاغل و صدور احکام
۴	کارخانه ذوب فلزات بزد	فروردين	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۵	ذوب آهن اصفهان (کوهه بلند)	فروردين	اعتصاب	پرداخت دستمزدهای معوقه
۶	شهرداری ایلام	فروردين	تجمع اعتراضی در برابر شهرداری	پرداخت حقوقی های معوقه + افزایش دستمزدها
۷	بیکاران شهر درزوفل	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر اداره کار	کار و استخدام
۸	گمرگ اسکله بندرعباس	اردیبهشت	تحصن	بپود شرایط کار و امکانات
۹	چورآب آسیا	اردیبهشت	اعتصاب غذا	افزایش دستمزدها + توقف اخراج ها
۱۰	شرکت ایران پوپلین رشت	اردیبهشت	اعتصاب	پرداخت دستمزدها
۱۱	کارگران بیکار طبس	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر فرمانداری	حق بیمه بیکاری + کار
۱۲	کارخانه توماتو مشهد	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر اداره کار	حق بیمه بیکاری
۱۳	پالایشگاه نفت آبادان	اردیبهشت	تجمع اعتراضی در برابر ساختمان دولتی	توقف اخراج ها + اجرای قراردادهای دسته جمعی کار + امنیت شغلی
۱۴	کارخانه نساجی مازندران قائم شهر	اردیبهشت	اعتصاب	افزایش دستمزدها
۱۵	کارخانه پتویافی رشت	اردیبهشت	اعتصاب + بستن جاده فومن - رشت	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۱۶	کارخانه فرش گلستان	اردیبهشت	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۱۷	کارخانه سیمان آباده	اردیبهشت	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۱۸	شرکت "بنادر" کرمانشاه	اردیبهشت	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده
۱۹	پالایشگاه نفت آبادان (کارگران پروژهای)	خرداد	تجمع در برابر اداره کار	استخدام رسمی + قراردادهای دسته جمعی
۲۰	کارخانه چیت سازی ممتاز	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزد + مزایای معوقه و حق عائله مندی
۲۱	شرکت صنایع چوبی ایران _ تهران	خرداد	نامه اعتراضی	ادامه کاری شرکت (اعتراض به انحلال و تعطیلی شرکت)
۲۲	کارخانه چیت سازی تهران	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزد+پرداخت اضافه حقوق و مزایای مربوط به افزایش تویید+اجری طرح طبقه بنی مشاغل
۲۳	کارخانه نخکار	خرداد	اعتصاب و تجمع در برابر کارخانه	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + تامین شغلی
۲۴	پالایشگاه آبادان، بندرعباس، ماهشهر	خرداد	اعلام هشدار و اولتیماتوم	افزایش دستمزدها متناسب با نزد تورم + قراردادهای دسته جمعی
۲۵	ستادبازسازی خرمشهر (مشهد)	خرداد	تجمع در برابر فرمانداری خراسان	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)+پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۲۶	شرکت نان شهر	خرداد	طومار اعتراض به رسانه ها	چارکری از توقف و تعطیل شرکت (ادامه کاری شرکت)
۲۷	آرد بیستون کرمانشاه	خرداد	یادداشت اعتراضی به روزنامه ها	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + امنیت شغلی
۲۸	کارخانه نساجی آبر اصفهان	خرداد	اعتصاب	افزایش دستمزدها+پرداخت مزایای عقب افتاده
۲۹	ذوب آهن اصفهان (کوهه بلند)	خرداد	تحصن	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + امنیت شغلی
۳۰	واحد صنعتی چیلان قزوین	خرداد	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه + افزایش دستمزد
۳۱	شرکت صنایع فرش ماشینی راوند کاشان	تیر	اعتصاب	پرداخت حقوق و مزایای معوقه
۳۲	کارخانه پرسان رشت (وابسته به صنایع نظامی)	تیر	اعتصاب + تجمع +تظاهرات+ راهپیمائی	حقوق و مزایای معوقه+پاداش اخرسال + ادامه کاری کارخانه
۳۳	کارخانه آزبست سازی روبدار	تیر	اعتصاب	افزایش دستمزدها + مزایای معوقه
۳۴	کارخانه گونی بافی رشت	تیر	اعتصاب	افزایش دستمزدها + مزایای معوقه
۳۵	شرکت پوست و چرم خراسان	مرداد	تجمع اعتراضی در برابر دفتر مرکزی شرکت	افزایش دستمزدها + مزایای معوقه
۳۶	شرکت مبلدان _ جاده قدیم کرج	مرداد	نامه اعتراضی	پرداخت حقوق های معوقه
۳۷	شرکت ظرفیان مشهد	مرداد	نامه اعتراضی به اداره کل کار	امنیت شغلی (اعتراض به قراردادهای موقعت کار) + بازگشت به کار
۳۸	شرکت پایانه کرمانشاه	مرداد	مراجعة به هیئت های حل اختلاف	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + بازگشت به کار
۳۹	پتروشیمی اصفهان (راندگان)	مرداد	اعتصاب	حقوق و مزایایی عقب افتاده
۴۰	جهاد اسلامی ایلام و ماه شهر	مرداد	تظاهرات	حقوق و مزایایی عوقه + توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)
۴۱	بهداری و بهداشت تهران (وابسته به وزارت نفت)	مرداد	نامه اعتراضی به مطبوعات	افزایش دستمزد+ امکانات رفاهی و درمانی + مزایای قانونی + استخدام رسمی
۴۲	شرکت صنایع چوبی ایران _ تهران	مرداد	تجمع اعتراضی در برابر فروشگاه مرکزی شرکت	حقوق و مزایایی عوقه
۴۳	پالایشگاه نفت آبادان	مرداد	تجمع + راه پیمایی	افزایش دستمزدها + قراردادهای جمعی + استخدام رسمی
۴۴	چاه نفت شماره یک کبود کوه آبادان	شهریور	نامه اعتراضی به مطبوعات	افزایش دستمزدها+ حقوق و مزایایی عوقه + دوششدن و ضعیت استخدامی (ضمین شغلی)
۴۵	کارخانه چیت تهران	شهریور	تجمع اعتراضی در محل دفتر این شرکت	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + پرداخت وجه مربوط به بازخريد
۴۶	شرکت خانه گستر	شهریور	نامه به مطبوعات	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)
۴۷	واحد صنعتی چیلان قزوین	شهریور	تجمع در برابر استانداری قزوین	پرداخت حقوق و مزایایی عوقه
۴۸	کارخانه چیت سازی بهشهر	شهریور	اعتصاب و تجمع در برابر کارخانه + تجمع در شهر	امنیت شغلی + پرداخت حقوق و مزایایی عوقه
۴۹	کارخانه الکتریک رشت	شهریور	تجمع اعتراضی	پرداخت حقوق و مزایایی عوقه
۵۰	شرکت پوست و چرم خراسان	شهریور	تجمع در محل بانک صنعت و معدن	امنیت شغلی + حقوق و مزایایی عقب افتاده
۵۱	شرکت جنکل شفابورد	شهریور	اعتصاب	حقوق و مزایایی عوقه
۵۲	شرکت صنایع چوبی ایران	شهریور	تجمع اعتراضی به مطبوعات	حقوق و مزایایی عوقه
۵۳	کارخانه چیت آب و فاضلاب اهواز	شهریور	نامه اعتراضی به مطبوعات	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + بازگشت به کار
۵۴	کارخانه چیت کرج	مهر	نامه اعتراضی به مطبوعات	توقف اخراج ها(اعتراض به اخراجها)+ادامه کاری کارخانه (اعتراض به توقف کارخانه)
۵۵	پالایشگاه نفت آبادان(کارگران پروژه ای)	مهر	نامه اعتراضی به مسئولین	تضمين شغلی + استخدام رسمی
۵۶	کارخانه چیت سازی ساری	مهر	تجمع اعتراضی و تحصن	پرداخت حقوق و مزایایی عقب افتاده
۵۷	پالایشگاه نفت آبادان	مهر	تجمع اعتراضی در برابر فرمانداری	استخدام رسمی + لغو احکام اخراجها

شماره	شهرداری ایلام	تجمع در محل مجتمع فرهنگی و هنری استان	مهر
۵۹	تولیدی خزر تکابن	تامه اعتراضی	مهر
۶۰	شرکت وزنه	تامه اعتراضی	مهر
۶۱	سازمان فرهنگی هنری تهران	تامه اعتراضی	مهر
۶۲	شرکت کرمانتی کرمان	تامه اعتراضی	مهر
۶۳	صنعت نفت منطقه گچساران	تامه اعتراضی به مطبوعات	مهر
۶۴	شرکت تولیدی ایران جیکا - رشت	تجمع اعتراضی در برابر استانداری کیلان	مهر
۶۵	شرکت فرش اکباتان	تجمع در برایر ساختمان مرکزی شرکت	مهر
۶۶	کارخانه نخ رسی پارسیلون خرم آباد	اعتصاب و تجمع در محوطه کارخانه	آبان
۶۷	کارخانه آجر عالی اصفهان	تجمع در محل خانه کارگر	آبان
۶۸	مجتمع متالوژی پودر ایران	تجمع اعتراضی در محل روزنامه کار و کارگر	آبان
۶۹	شرکت دارو پخش ایران	تامه اعتراضی به روزنامه ها	آبان
۷۰	شهرداری تهران	تامه اعتراضی به روزنامه ها	آبان
۷۱	شرکت کرمانتی کرمان	تامه اعتراضی به روزنامه ها	آبان
۷۲	شرکت خانه سازی کرمان	تجمع در محل خانه کارگر کرمان	آبان
۷۳	فرهنگسرای بهمن	اعتصاب	آبان
۷۴	مجتمع پتروشیمی بندر امام	تجمع در برابر و در داخل مجلس	آبان
۷۵	شرکت کبریت فروزان مشهد	مراجعة به اداره کل کار	آبان
۷۶	nasajeh قائم شهر	اعتصاب و اشغال کارخانه و بازداشت مدیر عامل	آبان
۷۷	شرکت صنعتی جهان کرج	تحقیق در محوطه کارخانه	آبان
۷۸	شهرداری منطقه ۱۲ تهران	تحقیق در مقابل شهرداری و تظاهرات	آبان
۷۹	کارخانه شیشه مدان	اعتصاب و مانع از ورود مدیر	آذر
۸۰	کارگاه شهید باهنر - گیلان	مراجعة به استانداری، اداره کار + نامه اعتراضی	آذر
۸۱	شرکت آجرسازی اصفهان	تجمع در برابر ساختمان استانداری	آذر
۸۲	شرکت ماشین های زاینده رود - اصفهان	تجمع و تحصین در محل شرکت + نامه اعتراضی	آذر
۸۳	شرکت صیادان دام گستر - گیلان	تحقیق در برابر دفتر ریاست جمهوری	آذر
۸۴	لوله سازی خوزستان	مراجعة به مجلس	آذر
۸۵	شرکت سس کرمان	نامه اعتراضی به مطبوعات	آذر
۸۶	کارخانه الکترولوکس ساوه	تحصین، تجمع، راه پیمایی و تظاهرات	آذر
۸۷	کارگران کاشان	نامه اعتراضی به مطبوعات	دی
۸۸	کارخانه فرش مازندران	عدم حضور در محل کار (اعتصاب) و تحصین در مسجد	دی
۸۹	اداره کل راه قdes کرمان	تحقیق در برابر اداره کار فارس	دی
۹۰	کارخانه ایران پرتو شیراز	حقوق های معوقه + ادامه کاری شرکت + اشتغال (اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه)	دی
۹۱	شرکت آرامش - بزد	حقوق های معوقه + تضمین شغلی	دی
۹۲	شرکت جهان کار - مشهد	تحقیق در خانه کارگر خراسان	دی
۹۳	جهان چیت	حقوق های معوقه + ادامه کاری شرکت + اشتغال (اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه)	دی
۹۴	کارخانه نساجی سمنان	اعتصاب	دی
۹۵	شرکت کیمیدارو	تحقیق در خانه کارگر	دی
۹۶	کارخانه پارچه بافی نخکار - کرج	حقوق های معوقه + ادامه کاری شرکت + اشتغال (اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه)	دی
۹۷	کارخانه پارچه بافی نخکار - مشهد	حقوق های معوقه + ادامه کاری شرکت + اشتغال (اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه)	دی
۹۸	شرکت توانیر اهواز	تحسن	دی
۹۹	کارخانه پارچه بافی نخکار - کرج	حقوق های معوقه + ادامه کاری شرکت + اشتغال (اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه)	دی
۱۰۰	کارخانه نازپوش انزلی	تحقیق در محل کارخانه	بهمن
۱۰۱	تاكسي رانان - مهاباد	اعتصاب و تجمع در یکی از خیابانهای اصلی شهر	بهمن
۱۰۲	آجر ماشینی ارومیه	تامه اعتراضی به استاندار و وزیر کار	اسفند
۱۰۳	صنایع ضایعات فلزی - شهریار	حقوق های معوقه + ادامه کاری شرکت + اشتغال + اشغال + انتشار + انتشار	اسفند
۱۰۴	شرکت ابریشم طوس - مشهد	تحقیق در خانه کارگر	اسفند
۱۰۵	شرکت سپورکس ساوجبلاغ	اعتصاب	اسفند
۱۰۶	مخابرات	تامه اعتراضی به مطبوعات	اسفند
۱۰۷	شرکت کیمیدارو	پرداخت کامل عیدي (بدون کسر مالیات)	اسفند
۱۰۸	اجاق سازی جواهريان - شهرستان رى	تحقیق اعتراضی و تحصین	اسفند
۱۰۹	کارخانه پارچه بافی نخکار - کرج	تامه اعتراضی به مطبوعات	اسفند
۱۱۰	شرکت کيان چرخ - خرمنده	تحقیق اعتراضی در خانه کارگر + نامه اعتراضی	اسفند
۱۱۱	کارخانه ریسنگی اتحاد سه ستاره - اصفهان	ارسال طومار به روزنامه ها	اسفند
۱۱۲	شرکت صنایع ضایعات فلزی - شهریار	تحقیق اعتراضی به مطبوعات	اسفند
۱۱۳	شرکت فراورده های شاختمانی	حقوق های معوقه + پاداش و عیدي	اسفند
۱۱۴	شرکت صنعتی الکتریک خراسان	تحقیق در محل اداری شرکت	اسفند
۱۱۵	کارخانه ارج	اعتصاب	اسفند
۱۱۶	ساختمان سازی دولت آباد - شهرستان رى	حقوق و پاداش سالانه	اسفند
۱۱۷	شرکت خدماتی در تبریز	حقوق و زمزایی معوقه + توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها)	اسفند
۱۱۸	کارگاه برج تهران	حقوق های معوقه + عیدي	اسفند
۱۱۹	تامه اعتراضی	توقف اخراج ها (اعتراض به اخراج ها) + امنیت شغلی	اسفند

صفحه ۱۴

اخباری از ایران

جنبش کارگری در سال ۷۷ (قسمت آخر)

بهای خدمات حمل و نقل، از اول تیرماه بهای نان در تهران و شهرستانها افزایش یافت. این افزایش بهای هر قرص نان از ۱ تا ۵ تومان بوده است. یک مقام وزارت بازرگانی اعلام کرد که این افزایش بهای نان با موافقت دولت انجام گرفته است. وی قیمت جدید نان تافقون را ۸۰ ریال، لواش ۷۰ ریال و بربار ۲۰۰ ریال اعلام کرد. معهداً قیمت نان در پرخی تأثیری ها بسی فراتر از آن چیزی است که رسماً "اعلام شده است.

آزادیخواهی انجمن صنفی روزنامه نگاران و شان مجلس!
 " انجمن صنفی روزنامه نگاران " در نامه سرگشاده‌ای به نمایندگان مجلس، طرح اصلاح قانون مطبوعات را، طرحی با هدف محدود کردن آزادیهای قانونی مردم داشت. این انجمن با اعلام این موضوع که اکثریت قاطع دست اندکاران مطبوعات نیروهای استند که یا "در انقلاب فعل بوده اند و با محصول همین انقلاب هستند" در نامه خود چنین نوشتند اند که "این طرح موجب این تصور میشود که دولت خواستار گسترش آزادیهای است ولی مجلس در جهت معکوس گام برمی دارد و این تصور در شان و چایگاه مجلس اطمینان ناپذیری وارد می‌سازد" انجمن یاد شده در انتهای نامه تاکید کرده است که قصد آنان از نوشتن نامه تنها این بوده که "خرطی" را که از تاحیه این طرح متوجه دهد! این هم از حد و حدود آزادیخواهی انجمن صنفی روزنامه نگاران !

اعتراف دادستان کل حکومت اسلامی
 جمهوری اسلامی در جریان تعرض سرکوبگران سالهای پیش از ۶۰، دهها هزار تن از مخالفین خود را به بند کشید و به جوخداری اعدام سپرد. هنگامی ابعاد این سرکوب و کشتار بطور واقعی روشن خواهد شد که با سرنگونی جمهوری اسلامی پرونده این وحشی گریها در اختیار مردم قرار گیرد. مقتدائی دادستان کل حکومت اسلامی اخیراً در گردهم آئی مسئولان قضائی رژیم، اشاره ای به این سرکوبها داشت و گفت: "در حال حاضر، حالت انتظاری برای تشکیل دادگاه سیاسی بوجود آمده است و این پرسش مطرح است که چرا این دادگاه ها تشکیل نشده است" وی در پاسخ به این سؤوال گفت: "آنوقت گرفتار گروههای محارب بودیم و زندان ها پر شده بود وهمه اینها می گفتند که زندانی سیاسی هستند، لذا آن موقع تصمیم گرفته شد که مسکوت گذاشته شود و اعلام شد که زندانی سیاسی وجود ندارد و آنان مجرم اند"

اظهارات رئیس کل بانک مرکزی درمورد اوضاع اقتصادی
 نوربخش رئیس کل بانک مرکزی حکومت اسلامی اعلام کرد که نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۷۷ به ۱/۷ تا ۲ درصد رسید. وی گفت که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۷۶ ۲/۵ درصد بود که نسبت به سال ۷۵ به نصف کاهش یافته است. در سال ۷۵ این رقم ۵/۲ درصد بود. نوربخش ادعا کرد که نرخ تورم در سال جاری به حد اکثر ۲۰ درصد خواهد رسید.

شهرها و خیابان ها و مقابل مراکز دولتی و حکومتی، نه فقط صدای اعتراض خود را به گوش سایر زحمتکشان و برای جلب حمایت آنها و افکار عمومی رساندند و بدینوسیله توافضتند سرمایه داران و دولت را برای پاسخگویی به مطالبات خود تحت شفار بیشتری قرار دهند، بلکه در رودرروئی مستقیم خود با این نهادهای دولتی، جنبه های سیاسی مبارزه خویش را نیز بالا بردن. درگذرگاه کارگران از رودرروئی با فلاں کارفرما و سرمایه دار متفاوت، به رودرروئی ناوهادهای دولتی، نه فقط جنبه سیاسی جنبش کارگری تقویت می شد، بلکه این موضوع تاثیرات بیواسطه ای بر شناخت ماهیت واقعی دولت و ارتقا درجه آگاهی کارگران نیز برگای گذاشت. وقتی که نفت کران بطور هم زمان در چندین پالایشگاه دست به اعتساب و اعتراض میزدند و یا حتی هشدار به اعتساب و اعتراض جمعی می دادند، وقتی که کارگران کارخانه نخکار، شورای اسلامی را علناً" کنار میزدند و مبارزه اعتراضی خویش را مستقل از تشکل های وابسته به رژیم سازمان میدادند و بالاخره وقتی که کارگران دربرابر بهانه سرمایه داران مبنی بر زیان دهی، برای توقف و تعطیل کارخانه قد علم کردند و ایستادند و آمادگی خویش را برای درست گرفتن تمام امور کارخانه اعلام کردند . . . آنان بدین وسیله نشان می دادند که جنبش کارگری در متن تعریض سرمایه حتی، گام هائی به پیش برداشته است و نشان میدادند که تعریض سرمایه داران و تشدید فشار برکارگران، برغم اثرات منفی و زیباتراش، تتوانسته است مبارزه کارگری و اراده کارگران را برای دست یابی به مطالبات خویش درهم بشکند . اگر این موضوع حقیقت دارد که تعریض سرمایه، جنبش مطالباتی کارگران را به موضوع تدافعی انداخت، اما این هم حقیقتی است که تراکم خشم کارگران و به میدان آمدن آنان در باغی گستردۀ را نیزد پی داشت و عنم آنها را به مبارزه ای جدی برای تغییر اوضاع راسخ ترساخت . کارگران اکر چه اساسا برای خواسته ای اقتصادی دست به مبارزه و اعتراض زده اند و این مطالبات علی العموم خصلت تدافعی داشته است اما این موضوع نافی این قضیه نیست که جنبش کارگری برسیت برخان حاد سیاسی موجود و تعمیق شکاف حکومتی و فضای ملتهب و متلاطم جامعه که هم طرح هرگونه خواستی در این فضا و در برای جمهوری اسلامی به سرعت خصلت سیاسی بخود می گیرد و هم شرایط بالتبه مساعدی برای ابراز وجود طبقه کارگر فراهم کرده است، به فوریت بتواند این مرحله را پشت سر گذاشته به مراحل عالی تری گذر نماید و به یک جنبش سیاسی و سرتاسری تبدیل شود.

تصحیح و پوزش:

در نشریه کار شماره ۳۲۶ صفحه ۴ ستون دوم، سطر دوازدهم، دراین جمله کلمات بکی جابجا شده است. اصل جمله بدینصورت میباشد. "این واقعیت که معناش تشید فقر، فلاکت و گرسنگی بیشتر کارگران بود، خواست افزایش دستمزد را به خواستی فوری تبدیل کرده و به صدر خواسته کارگری می راند."

عمومی ترین خصوصیت جنبش کارگری در سال گذشته، ایستادن در برابر همین تعرض به منظور ممانعت از پیشروی بیشتر سرمایه داران بود. در برابر هجوم سه‌مکین و بربزمنشانه سرمایه، جنبش کارگری به دفاع از خود برخاست تا در این جنگ نابرابر، لااقل سنگرهای و موقیت پیشین خود را حفظ کند. کارگران درحالیکه مجبور به عقب نشینی شدند، اما دلاورانه در این راه رزمیدند و به اشکال مختلفی علیه کارفرمایان و سرمایه داران مبارزه کردند. برغم استفاده کارگران از شکلهای مختلف و متنوع مبارزه، اما برپائی تجمعات اعتراضی و اعتصاب که اکثر آنها بیرون از کارخانه ها راه می یافت، مهمترین شکل مبارزه کارگری بود که این موضوع قبل از هرچیز اراده و گرایش عمومی کارگران بویژه بخش هایی که درجه آسیب پذیری آنان در برابر تعریض سرمایه بالا بود، به مبارزه ای فراتر از چارچوب کارخانه و موسسه تولیدی و برای بالا بردن میزان اثربخشی آن را نشان میداد. برپائی دهها اعتساب و اجتماع اعتراضی کارگری و کمیت و کیفیت این مبارزات، حاکی از آن است که این مبارزات به درجات معینی سازمان یابی شده و مستقل از تشکل های وابسته به رژیم خلاص شده است. هرچند که این مبارزات هنوز خود را تمام‌اً از شرکهای وابسته به رژیم خلاص نکرده است، اما در شکل دهی و سازماندهی این مبارزات، فعالین و پیشروان کارگری، نقش مهمی ایفا کرده اند.

مبارزات اعتراضی کارگری درسال گذشته بلاحظ کمی از رشد قابل ملاحظه ای نیز برخوردار شده است وند فقط به لحاظ عددی شمار حرکت های اعتراضی کارگری چشمگیر است بلکه این حرکتهای اعتراضی اول‌ا" محدود و منحصر به این شهر و آن شهر نبوده و در سرتاسر کشور گسترده بوده است و ثانیا" کیت شرکت کارگران در این حرکتهای اعتراضی نیز بالا بوده است. با اینهمه باید اعتراف نمود که برغم وسعت و گستردگی این مبارزات و برغم کیت بالای کارگران شرکت کننده در آن، این مبارزات اساسا" پراکنده و جدا از هم بوده است، اعتراضات کارگری همه جائی بوده و در سرتاسر ایران جریان داشته است، اما یکپارچه و سراسری نبوده است و برغم وجود خواست های عمومی یک بخش بسیار زیادی از کارگران، اما این خواست ها به دلیل محرومیت کارگران از تشکلهای مستقل و سراسری، مبارزه همانگی و یکپارچه ای در ابعاد سراسری در پی نداشته است. مبارزات کارگری و گسترش آن اگر چه توافضت است تا اندازه ای بر سر راه پیشروی سرمایه داران مانع ایجاد کند و خواست های عمومی کارگران را در سطح بسیار وسیعی به میان بکشد، اما نتوانست ویا هنوز توافضت است سرمایه داران را بویژه در مقیاس تمام کشور عقب براند! مطالبات کارگری نیز برغم گوناگونی آن، در کلیت خود اقتصادی و صنفی بوده است و جز در مواردی محدود، اساسا" خصلت دقایقی داشته و هرچند که ازنتایج آن نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست و خبری انتشار نیافرته است، اما چنین بنظر میرسد که این مطالبات در وجه عده، تحقیق نیز نیافرته باشد.

برغم همه اینها اما کارگران با برپائی اعتسابات و تجمعات وکشاندن مبارزات اعتراضی خود به جلو کارخانه ها و از جلو کارخانه ها به داخل

تروبریسم فعال !

بود که آنان اجرای "ماموریت" های "خطیر" خود را طبق رهنمود های سران رژیم و رفیس شورای عالی امنیت آن آغاز کردند. پنجم خرداد، حوالی ساعت ۲ بامداد، قرارگاه مجاهدین واقع در حومه جنوبي شهر العماره عراق مورد تهاجم موشکی قرار می گیرد. ۱۵ خرداد ساعت ۱۱/۵ شب دو بمپ درحولی دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد که توسط مزدوران جمهوری اسلامی "دشمن" گذاشته شده بود، منفجر میگردد. روز چهارشنبه ساعت هشت بامداد یک اتوبوس شهری حامل مجاهدین در شمال بغداد با انفجار مهیب یک ماشین مملو از مواد منفجره که در کنار خیابان پارک شده بود، هدف یک سو قصد تروریستی قرار میگیرد که در اثر آن ۶ نفر کشته و ۲۱ نفر مجروح می شوند. ساعت ۸/۵ شب ۲۰ خرداد، قرارگاه های مجاهدین با شلیک موشک های اسکادار ب مورد حمله قرار میگیرد. شایان ذکر است که در اثر این انفجارات و حملات، علاوه بر خسارت های مالی وارد شده به اهالی روستائی عراق، چندین تن از شهروندان عراقی نیز کشته و مجرح شده اند. این ها فقط نمونه هائی از اقدامات جنایتکارانه و تروریستی جمهوری اسلامی آنهم فقط در ظرف یکماه و نیمه اخیر است. طبق اطلاعیه های سازمان مجاهدین خلق ایران، جمهوری اسلامی تنها از زمان روی کار آمدن خاتمی تا کنون به ۲۴ اقدام تروریستی از این دست در خاک عراق علیه این سازمان دست زده است.

تمامی این اقدامات جنایتکارانه و تروریستی گواه این حقیقت است که هیچ تعییری در ماهیت این رژیم ارجاعی و سرکوبگر ایجاد نشده و تروریسم جمهوری اسلامی تحت ریاست آقای خاتمی نیز همچنان فعال است. ما این اقدامات جنایتکارانه و تروریستی را قویاً محکوم می کنیم و از همه اتفاقیون و آزادی خواهان می خواهیم تا ضمن محکوم کردن اینگونه اقدامات همه و هرگونه تحرك و تلاش بمنظور پرده افکنند بر ماهیت ارجاعی و تروریستی جمهوری اسلامی را افشاء و خنثی کنند. ما یکبار دیگر اعلام میداریم که جناح های رژیم سروته یک کرباسند و نخستین شرط پایان تروریسم رژیم جمهوری اسلامی، براندازی و خاکسپاری خود این رژیم است.

سرمایه داران داخلی و ...

مورد تجدید نظر قرار گیرد. آنها گفتند: "قانون کار باید تحت عنوان قانون کار و روابط صنعتی برمحور اهداف ملی معنی توسعه اقتصادی کشور و رشد فعالیت تولیدی، تشویق اشتغال زائی و درآمد آفرینی مورد تجدید نظر قرار گیرد." به زبان ساده یعنی این که قانون کار باید با هدف تامین هر چه بیشتر منافع سرمایه داران مورد تجدید نظر قرار گیرد. کارگران بیشتر تولید کنند و دستمزد کمتری بگیرند. روش است که سرمایه داران تعریض گستردگی را علیه کارگران و برخی دست آوردهای آنها سازمان داده اند. درهم شکستن این تعرض مستلزم مقاومت و مبارزه جدی کارگران است. قطعاً کارگران ایران تسلیم این زورگوئی سرمایه داران نخواهند شد و همانگونه که طرح نمایندگان مجلس ارجاع را در مورد کارگاههای کوچک با شکست روبرو ساختند، این تعرض سرمایه داران را نیز درهم خواهند شکست. اتحاد و مبارزه کارگران رمز پیروزی آنهاست.

اینگونه خط میدهد به مامورین اطلاعاتی و امنیتی یعنی همان برنامه ریزان و مجریان ترور و کشتار و اینگونه دفاع میکنند از این ارگان و اقدامات آن. و همde ما میدانیم که در رژیم جمهوری اسلامی "دشمن" به چه کسانی اطلاق می شود و چگونه این رژیم تا کنون دهها هزار تن از نیروهای اقلایی و مخالفین خود را تحت عنوان "معاذ" و "کافر" و "منافق" وغیره به بهانه جاسوس و امثال آن سربه نیست کرده است. باید در نظر داشت که تلاش‌های خاتمی در این زمینه و برای حفظ دستگاه تروریستی وبالا برden روایه اقدام و فعل نگاه داشتن این نهاد، با تحرکات دیگری در عرصه خارجی و درهمن زمینه نیز تکمیل شده است. برای نمونه دیدار و گفتگوهای خاتمی با رهبران حزب الله لبنان از جمله شیخ حسن نصرالله درسفري که به سوریه کرده بود و بدنبال آن اعزام خرازی وزیر آقای خاتمی در اوخر خرداد به بیروت و ملاقات وی با رهبران حزب الله و نیز ملاقات خاتمی با نیز بری رهبر شیعیان اهل در تهران که در این ملاقات ها بر "وظیفه شرعی و اسلامی" جمهوری اسلامی در حمایت از آنها تأیید شده است و نیز تحرکات دولت خاتمی در آزادی یوسف امین یکی از عوامل جنایت تروریستی میکنوس و نیز برای آزادی کاظم دارای مزدور جمهوری اسلامی و تحرکات دیگری از این قبیل، تماماً در ادامه تروریسم جمهوری اسلامی و فعل نگاه داشتن آن بوده است! و در کتف حمایتهاي همde جانبه سران رژیم و از جمله آقای خاتمی است که نیروهای اطلاعاتی رژیم اجلال سه روزه در تهران برپا میکنند و بینانه صادر میکنند و آمادگی خود را برای "مقابله" با تحرکات "دشمن" پروری از "ملت شریف" می خواهند تا "همچون گذشته سربازان گمنام امام زمان را در اجرای ماموریتها خطر خود باری کنند" (رسالت ۱۲ خرداد ۷۸)

یک نگاه سطحی و گذرا به اقدامات جنایتکارانه رژیم در همین یکی دوماهه اخیر، کافی است تا این موضوع را ثابت کند که ماشین کشتار و ترور رژیم حتی یکدم از حرکت باز نایستاده و دستگاه امنیتی همچنان سرگرم ارتعاب و سرکوب و اقدامات تروریستی بوده است. صدها تن از مردم به بهانه های مخفیانه اند و دهها تن دیگر دستگیر و روانه زندان ها شده‌اند و دهها تن از این مخفیانه ایشان به جوخته های مرگ سپرده اند. موج اعدام های علني ، دادمه داشته است. در شیراز و بندر عباس دو نفر در ملاع اعدام اعدام وبا جراحت به دارآویخته شدند. نویسندهان و روزنامه نگاران مکرراً توسط آدم ریایان و جوخته های مرگ سپرده اند. دهها تن از این مخفیانه ایشان به جوخته های مرگ سپرده اند. دهها تن از زندانهای مختلف تهران و سایر شهرستانها اعدام شده اند . دو تن از پیشمرگان اتحاد اتفاقیون به جوخته های مرگ سپرده اند. دهها تن از کردستان بنامهای ابراهیم شریفی و جواد رضائی و دو تن از نیروهای وابسته به حزب دمکرات کردستان ایران بنامهای مصطفی قادری و محمد امین چک اعدام شده‌اند . محمد مصطفی از کادر های حزب دمکرات که روز شنبه ۲۹ خرداد در کوی سنjac عراق ریوده شده بود، دوروز بعد در حالی که آثار شکنجه ببروی جسد او بر جای مانده بود پیدا می شود.

وزارت اطلاعات و امنیت رژیم تازه پایان گرفته

تبریزیم جمهوری اسلامی، موضوع شناخته شده ای است که نیازی به اثبات ندارد و در واقع عملکرد جنایتکارانه این رژیم در هر لحظه و هر روز حیاتش، برای اثبات آن کفایت میکند. بدون کشتار و ترور و سرکوب، اعم از دوران حیات خمینی یا خامنه ای، این رژیم ارجاعی و قرون وسطائی، نمیتوانست حتی یکسال هم دوام آورد چه رسد به دو دهه . برخی محافل و جریانات سیاسی برای اندیشه بودند و چنین تصویری را دامن می زندند که با روی کار آمدن خاتمی، دیگر موضوع تبریزیم رژیم هم خاتمه یافته است. آنها می خواستند و یا می خواهند این دوره را از قاعده عمومی کارگاههای اسلامی استثنای کنند و دراین مورد کفکار خاتمی در زمینه "حل مسالمت آمیز" مسائل با سایر کشورها و "کفکوهای تمدن ها" و حکومت قانون و امثال آن را بعنوان سند، ضمیمه استدلال و یا ادعای خود میکرده و می کنند. اما امروز چه کسی است که نداند این رشتہ تلاشها و حرفها که اساساً "صرف خارجی داشته است، هیچ گونه تغییری در ماهیت تروریستی رژیم جنایتکار و تروریستی همچنان فعل است. جریان خاتمی البته در عرصه دیپلماسی خارجی سعی کرده است تاچهره دیگری از خود نشان داده و ماهیت تروریستی جمهوری اسلامی بعنوان یک پوشی کند. محافل و جریانهای نیز با جدا کردن خاتمی از سایر سران رژیم، "علم" پیش برند سیاست این جناح و همان چیزی بوده‌اند که رژیم می خواسته است و آگاهانه یانا آگاهانه به توجیه گران تبریزیم و نظام تبریزیمیتی جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

همه گان بیاد دارند که در جریان رسوانی وزارت اطلاعات و امنیت و دست داشتن آن در ترور و کشتار نویسندهان و فعالین سیاسی، آقای رئیس جمهور با چه شور و حرارتی از تروریستهای رژیم و عمال اطلاعاتی و امنیتی اش به دفاع برخاست و ضمن تحسین سربازان گمنام امام زمان ، از "خدمات" بی چشم داشت آنان قدر دانی نمود و درست در لحظه‌ای که گیجی و سردرگمی در میان این نیروها تضعیف کل این ارگان ترور و سرکوب را در پی داشت به کمک آن شتافت و هرچه از این قدر دادن قوت قلب به آنان و در جمیع و جورکردن این ارگان و جلو گیری از تضعیف بیشتر آن انجام داد. آخرمگرنه اینکه آقای رئیس جمهور که رئیس شورای عالی امنیت هم هست و تمام هم و غمیش حفظ نظام است، مسئول تامین امنیت همین نظام هم هست؟ حتی وقتیکه لفظ قانون و آزادی راهم بر زبان می آورد، مقصود و هدف غایی اش باز هم حفظ و امنیت همین نظام است؟ خاتمه در دیداری که روز شنبه هشتم خرداد باوزیر، معاونان، مدیران کل و کارشناسان ارشد وزارت اطلاعات بعمل آورد، بار دیگر برهمین نکته تاکید نمود و ضمن ارائه توضیحات ببسیطی در مورد حدود آزادیها و تاکید براینکه "درجامعه دینی حد آزادی اخلاقی نگاه خویش به آزادی را به سمع دوستان و همکاران خود رساند و گفت "نگاه من به آزادی از موضع حفظ نظام است" واپس "تاكيد و تکرار نمود که "جامعه باید برای جاسوسی و برانداز امنیت داشته باشد، جامعه باید برای دشمن نا امن باشد!" ایشان در همان جلسه، پایه موجودیت نظام را امنیت و پایه امنیت را وزارت اطلاعات داشت و گفت " به هیچ وجه تضعیف وزارت اطلاعات تحمل نخواهد داشد!" آری، رئیس جمهور، رئیس شورای عالی امنیت ،

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آیا راه نجاتی برای کانون نویسندها هست؟

نگذشته بود که "هیئت دبیران موقت" مهرارتعاج مذهبی را زینت بخش اطلاعیه های خود کرد و به نام الله فعالیت خود را ادامه داد. اما کانونی که میخواست به نام خداو با توکل به خدا موجودیت اش را حفظ کند، لاجرم می بایستی وظیفه دفاع از پاسداران حکومت الله را در برابر خود قرار دهد. در راستای انجام این وظیفه بود که وزیر دستگاه اختتاق و سانسور حکومت اسلامی به عنوان سمبول آزادی خواهی مورد تعریف و تمجید قرار گرفت. این موضع، البته نمی توانست مورد تایید نویسندها کنون حقیقتاً آزادیخواه و حتی لیبرال قرار بگیرد. اعتراض نویسندها کانون به این موضع "هیئت دبیران موقت کانون" روز به روز افزایش یافت. با این وجود "هیئت دبیران" همچنان در مسیری که پای کذاشت، پیش میروند. برغم این که هنوز شکمکش در درون کانون برسمشی اینده آن ادامه دارد، وگروه کثیری از نویسندها بیویژه نویسندها در تبعید، مخالفت خود را با موضع "هیئت دبیران موقت" اعلام نموده اند، اما بعد از نظر میرسد که در اوضاع کنونی از درون تشکل فعلاً موجود، یک کانون نویسندها مستقل از دولت و آزادیخواه یتواند شکل بگیرد. در دریلی استبداد، چزیره آزادی شکل بگیرد. در شرایطی که توده مردم از آزادی و حق تشکل محروم اند، وجود یک کانون نویسندها مستقل از دولت و حقیقتاً آزادیخواه خیال باطلی است. اینها این تصویرهم باطل است که همه نویسندها آزادی خواه هستند و یا به یک درجه طالب آزادی می باشند. نویسندهایی هستند که دشمن آزادی اند و "آزادیخواهی" برخی دیگر هم طراز با "آزادیخواهی" خاتمه است. از دیدگاه این دسته، همین که وزارت ارشاد کمتر سانسور میکند، کمال آزادی است. بنابراین برخی از نویسندها معتقدند، بیهوده تلاش میکنند، چنین ایدم هائی را بر سر عقل آورند و موضع آنها را اصلاح کنند. آنها راه خود را به حسب منافع و شعور اجتماعی شان، و درجه "آزادی خواهی" شان انتخاب کرده اند و البته حق دارند. تشکلی هم ایجاد کنند که از ارتعاج اسلامی دفاع نمایند، اما این دیگر کانون نویسندها ایران یا کشور تاریخچه در خشان مبارزه علیه استبداد، اختتاق، ارتعاج و سانسور و مبارزی نظیر سعید سلطانپور، مختاری و پوینده نیست. نویسندها حقیقتاً آزادی خواه برای احیا آن کانون نویسندهای تلاش خواهند کرد که زمانی سعید سلطانپور دبیران بود.

در اسفندماه سال گذشته، تعدادی از نویسندها با تشکیل یک اجلس تصمیم به تجدید فعالیت علی کانون نویسندها ایران گرفتند و آن را رسماً اعلام نمودند. نشریه کار در شماره فروردین ۷۸ در مقاله ای تحت عنوان "کانون نویسندها" و سرنوشت آنی آن "مساله تشکیل کانون نویسندها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به خطراتی که موجودیت آن را تهدید میکند، اشاره کرد. در این مقاله نخست گفته شد که برآقدم نویسندها تا آنجایی که نتیجه "مبارزه" ابتکارواراده خود نویسندها و با زیر پا نهادن قوانین و مقررات رژیم جمهوری اسلامی است، "باید ارج نهاد و از تلاش و کوشش آنها در این راه حمایت نمود." اما بلاfaciale خطراتی که موجودیت کانون و فعالیت آتی آن را تهدید میکند، نیز مورد بررسی قرار گرفت. مقاله نشیری کار به دونکته اشاره داشت. نخست هشدار میدارد که "در میان نویسندها، گروهی هستند که به نحوی از اخناز حکومت اسلامی و جناحهای از آن حمایت میکنند. برخی از آنها حتی توانسته اند به عضویت هیئت دبیران موقت کانون نیز درآیند. این گروه در تلاش اند که در جریان حرکت کانون، آن را مستقیم وغیر مستقیم به جناح طرفداران خاتمی وابسته سازند و آن را به ابزاری برای تبلیغات این جناح تبدیل کنند." "اینجا دیگر وظیفه نویسندها حقیقتاً آزادی خواه و طرفداری کانون نویسندها مستقل از دولت است که هوشیار باشند و اجازه ندهند که توجیه گران نظام ارتعاجی اسلامی از کانون نویسندها برای پیشبرد مقاصد خود و جناحهای رژیم استفاده کنند." ثانیاً براین واقعیت تأکید داشت که "در شرایط موجوده هنوز توده وسیع کارگر و زحمتکش به یک مبارزه علی و مستقیم برای سرنگونی رژیم روی نیاورده است و اختناق و استبداد حاکمیت دارد، نویسندها و کانون اهل نیاز باشند از آزادی برخوردار باشند." وادامه میدارد اگر اعلا گسترده چنین توده ای "به هر علتی به تعذیق افت، کانون نویسندها با تلاش طرفداران خاتمی به یک نهاد و ایستاده دولتی تبدیل خواهد شد و یا این رژیم آن را جاروب خواهد کرد." روند تحول اوضاع بسی سریع تراز آنچه که تصویر میشد، صحت این تحلیل و ارزیابی را نشان داد. طرفداران خاتمی بلاfaciale پس از اجلس اسفند ماه دست به کار شدند تا کانون را به یکی از جناحهای ارتعاجی حکومت اسلامی وابسته سازند. هنوز مدتی از اعلام موجودیت کانون

I.S.V.W اطربیش
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

I.S.F دانمارک
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M.A.M سوئد
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A.A.A فرانسه
MBE 265
23 , Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

P.B. 22925 هلند
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 327 jul1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق